

از "ریو" تا "ریو + ۲۰": بررسی مذاکرات و نتایج کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد

جواد امین منصور^۱

چکیده: کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد موسوم به "اجلاس ریو + ۲۰" که در بهار سال جاری در سطح سران و با حضور قابل توجه نمایندگان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و جوامع مدنی در شهر ریودوژانیرو (برزیل) برگزار شد، نقطه عطف دیگری در فعالیت‌های سازمان ملل متحد در زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی و نیز تحولات در روابط بین‌المللی محسوب می‌گردد. در این کنفرانس، چگونگی اجرای "اعلامیه ریو" و "دستور کار ۲۱" مصوب کنفرانس محیط زیست و توسعه ملل متحد موسوم به "اجلاس سران زمین" یا "اجلاس ریو" طی بیست سال گذشته، میزان تحقق اهداف توسعه هزاره" مصوب اجلاس هزاره سران در دوازده سال پیش و همچنین سایر نشست‌های مهم منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی و راه‌هایی برای مذاکره و همکاری جامعه جهانی به‌منظور رویارویی با چالش‌های مشترک در دهه‌های آینده ترسیم گردید. در رابطه با میزان موفقیت کنفرانس نظرات گوناگونی ابراز می‌شود. اما آنچه مهم است به‌طور کلی مذاکره، آن هم با این وسعت و سطح، مثبت ارزیابی می‌گردد و علاوه بر آن توافقات به عمل آمده در زمینه حفاظت از انواع اکوسیستم‌ها و روی‌آوری به اقتصاد سبز یک تحول مهم در همکاری‌های زیست محیطی بین‌المللی در چارچوب توسعه پایدار به حساب می‌آید. وضعیت جدید ایجاد می‌نماید کلیه دولت‌ها طبق اصل "مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت"، همکاری‌های خود در زمینه بسیج منابع مالی، انتقال فناوری، آموزش و مبادله دانش و تجربیات را گسترش داده و هم‌زمان با تعیین "اهداف توسعه پایدار" برای دوران پس از ۲۰۱۵ (۱۳۹۴)، رویکرد جدی‌تری برای تحقق توسعه پایدار در جهان اتخاذ نمایند.

واژگان کلیدی: کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد، اجلاس ریو + ۲۰، توسعه پایدار، محیط‌زیست، توسعه اقتصادی-اجتماعی، اجلاس ریو، کمیسیون توسعه پایدار.

مقدمه

با گذشت بیست سال از برگزاری کنفرانس محیط زیست و توسعه ملل متحد موسوم به "اجلاس سران زمین" یا "اجلاس ریو" در سال ۱۹۹۲ (۱۳۷۱) در شهر ریودوژانیرو، طبق تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد موسوم به "ریو+۲۰" در تاریخ ۲۰ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ (۳۱ خرداد تا دوم تیر ۱۳۹۱) با شرکت حدود ۸۰ نفر از سران و سایر مقامات عالی‌رتبه از ۱۹۰ کشور، نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی و تعداد قابل‌توجهی از تشکلهای مردم‌نهاد و جوامع دانشگاهی در شهر ریودوژانیرو تشکیل گردید. تعداد افراد شرکت‌کننده در این کنفرانس حدود پنجاه هزار نفر بود که به نوبه خود یکی از بزرگ‌ترین گردهمایی‌ها در تاریخ بشر محسوب می‌شود. در پایان این کنفرانس، یک سند رسمی با عنوان "آینده‌ای که ما می‌خواهیم" مورد تصویب قرار گرفت.

برگزاری این گردهمایی تاریخی به لحاظ سطح، شرکت‌کنندگان، وسعت موضوعات در دستورکار و طرح چالش‌های بزرگ دوران معاصر و آینده باعث بروز سئوالات بسیاری در مردم به‌ویژه محققان و صاحب نظران شده است. چرا کنفرانس ریو+۲۰ در این برهه زمانی برگزار گردید؟ نظرات نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل در این رابطه چیست؟ چه انتظاراتی از برگزاری کنفرانس وجود داشت؟ علل مشارکت وسیع دولت‌ها و جوامع مدنی آن هم در عالی‌ترین سطح چه بود؟ خلاصه مواضع و نظرات مطرح‌شده در طول اجلاس چه بودند؟ چه موضوعاتی چالش‌برانگیز و مورد اختلاف بودند؟ نکات اصلی مندرج در سند پایانی چگونه مورد اشاره قرار گرفتند؟ مواضع مشترک مندرج در سند پایانی چگونه ارزیابی می‌شوند؟ چشم‌انداز آینده چیست و چه پیشنهاداتی برای اقدام توسط کشورهای در حال توسعه در آینده وجود دارد؟ در این مقاله تلاش خواهد شد به سئوالات یاد شده پاسخ داده شود.

در مورد نحوه تهیه و ارائه مقاله، شایان ذکر است که مطالب و تحلیل‌ها با استفاده از دانش و تجربیات نگارنده در تعامل طولانی‌مدت با نهادها و نشست‌های مهم بین‌المللی به‌ویژه کمیسیون توسعه پایدار، منابع کتابخانه‌ای و تارنماها به رشته تحریر درآمده‌اند. روش ارائه، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در مقاله، ابتدا به تعدادی نظریات نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل اشاره شده و سپس چالش‌های فراروی کنفرانس و انتظارات، سازمان‌دهی جلسات برای تدوین پیش‌نویس سند، مواضع اعلامی دولت‌ها و تشکلهای مردم‌نهاد و نیز محتوای سند مصوب تشریح می‌گردند. همچنین، تلاش شده

مباحث مورد ارزیابی واقع شوند و تحلیلی از نتایج مذاکرات نیز به عمل آید. در پایان، پیشنهادهایی برای اجرای سند و بهره‌برداری حداکثری از امکانات و منابع موجود برای تحقق توسعه پایدار ارائه شده است. نویسنده امیدوار است با این مقاله، قدمی هر چند کوچک به منظور طرح چرایی، مباحث و پیامدهای برگزاری کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد در ریو، تشریح آخرین مواضع جامعه بین‌المللی در قبال چالش‌های معاصر و نیز معرفی سیر تحولات در حقوق بین‌الملل به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیست به اندیشمندان و محققان گرانقدر برداشته باشد.

مروری بر نظرات نظریه‌پردازان

با توسعه جوامع بشری در قرن بیست‌ویکم و در نتیجه شتاب به‌وجود آمده در روند جهانی‌شدن، اهمیت توسعه اقتصادی-اجتماعی و اثرات آن بر منابع طبیعی و محیط‌زیست به‌عنوان ابزار مورد نیاز برای هرگونه پیشرفتی و نیز میزان رفاه، امید به زندگی و حتی امنیت و صلح بیش از پیش آشکار شده است. این مهم و روند موضع‌گیری‌ها، گفتگوها و مذاکرات چندجانبه که به تدوین و تصویب موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی متعدد و تشکیل گردهمایی‌های مهم بین‌المللی از جمله اجلاس سران زمین منجر شد تحلیل‌های تعداد بیشتری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل را به خود معطوف نمود.

با پایان جنگ سرد، تعدادی از نظریه‌پردازان محیط زیست روابط بین‌الملل با گستراندن مفهوم امنیت پا را از محدوده‌های سنتی فراتر نهاده از تمرکز بر روی عوامل سنتی تهدید در اروپا به تمرکز بر روی مخاطرات بوم‌شناختی می‌پردازند که تهدیدی برای هرکس بر روی کره زمین است (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۳: ۸۵). در همین راستا، گروهی دیگر از نظریه‌پردازان با ارائه تعریفی دقیق‌تر، شش عامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی، نظامی و زیست‌محیطی را اجزای تفکیک‌ناپذیر امنیت معرفی نمودند (Eubanks, Evans, Mentz, & Chandler, 2000:16). آن‌ها تعریفی وسیع‌تر از امنیت را مطرح کرده و عوامل یاد شده را در برقراری صلح یا بروز جنگ مؤثر دانستند. البته این دسته از نظریه‌پردازان تمامی مشکلات زیست‌محیطی را با مسائل امنیتی مرتبط ندانسته و تنها برخی موارد چون نگهداری و حمل‌ونقل پسماندهای سمی که ممکن است در ساخت سلاح کاربرد داشته باشند، تغییر آب و هوا، ماهیگیری بی‌رویه، آلودگی فرامرزی هوا، فرسایش لایه ازن و منازعات ناشی از کمبود منابع آب که موجب نگرانی یا آسیب‌رسانی به کشورهای دیگر گردند را برجسته کرده‌اند. برخی دیگر،

محیط‌زیست را بعد از امنیت بین‌الملل و اقتصاد جهانی به‌عنوان موضوع عمده سوم در جهان سیاست مطرح کرده‌اند (Porter & Brown, 1996: 1).

شماری از نظریه‌پردازان پا را از دایره محیط زیست فراتر نگذاشته در همان محدوده به ابراز نظرهایی متنوع پرداخته‌اند. ماتهیو پاترسون نظریات را به دو دسته "محیط‌زیست‌گرا"^۱ و "سیاسی سبز"^۲ تقسیم می‌کند. وی ابراز می‌کند هر دو گروه در پی جلوگیری از تخریب بیشتر محیط زیست توسط جوامع بشری، تدوین و تصویب قوانینی به‌منظور ایجاد جوامعی پایدار^۳ و در جستجوی راه‌حلی مؤثر و فوری برای بحران زیست محیطی جهان هستند (Matthew & Paterson, 1996: 252-270).

محیط‌زیست‌گراها واقعیت ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود را می‌پذیرند و معتقدند توجه بیشتر به حفظ محیط‌زیست با حفظ قالب‌های فعلی میسر می‌باشد. نظام ملت-کشوری می‌تواند با اراده سیاسی و از طریق همکاری به‌گونه‌ای مؤثر مشکلات زیست‌محیطی را مورد خطاب قرار دهد. اجلاس سران زمین برای جامعه جهانی یک "موفقیت" بود که طی آن توجه سیاست‌مداران کشورها پس از چندین دهه به ضرورت رتق و فتق مشکلات زیست‌محیطی معطوف و "توسعه پایدار"^۴ به‌عنوان یک راه‌حل مطرح شد. این دسته از نظریه‌پردازان بر این باورند که توسعه پایدار می‌تواند سازگاری رشد (اقتصادی) و رسیدگی همزمان به چالش‌های زیست‌محیطی را به همراه داشته باشد.

اما نظریه‌پردازان سیاسی سبز با شعار "جهانی فکر کن و محلی عمل کن"^۵ راه‌حل‌های متفاوتی ارائه می‌کنند. آن‌ها معتقدند طبیعت زائیده یک روند طبیعی و نه ساخته دست بشر، بوده و از این رو انسان مرکز ثقل موجودات نیست. مشکلات زیست‌محیطی فراملی بوده و برای رتق و فتق آن‌ها نیاز به همکاری بین‌المللی است. سبزه‌ها بر این باورند که رشد اقتصادی به دست آمده به‌ویژه در دو قرن گذشته عامل اصلی بحران زیست‌محیطی یا به عبارت دیگر، بحران بوم‌شناختی^۶ فعلی است. ساختارهای موجود از عوامل بروز مشکلات زیست محیطی بوده و تجدید سازمان کل

1. Environmentalism Theories

2. Green Political Theories

۳. معادل انگلیسی این واژه Sustainable Societies است و اشاره به شرایط جوامعی دارد که در آن همزمان با فعالیت‌های توسعه‌ای، ملاحظات زیست‌محیطی نیز رعایت می‌گردند. برای آگاهی بیشتر از این موضوع، به مقاله تحت عنوان "رویکردهای بین‌المللی در برخورد با منابع طبیعی و محیط زیست" مراجعه شود.

4. Sustainable Development

5. Think Globally and Act Locally

6. Ecological Crisis

نظام اقتصادی فعلی برای حل مشکلات زیست‌محیطی ضروری است. تنها با تمرکززدایی در سطح ملی و ایجاد یک سازوکار مقتدر فرامنطقه‌ای و با اقدامات چندجانبه کشورها می‌توان تغییرات لازم برای حفظ مشترکات جهانی را به ارمغان آورد. این دسته از نظریه‌پردازان اجلاس سران زمین را یک "شکست" می‌دانند و اظهار می‌کنند در این گردهمایی دولت‌ها با استفاده از گروه‌های زیست‌محیطی، سعی در اثبات مشروعیت خود داشتند و این که وانمود نمایند صادقانه در پی حل مشکل هستند. همچنین به نظر آنان، شرکت‌های چندملیتی این فرصت را یافتند تا با حضور در سازوکار توسعه پایدار خود را جزو افراد و گروه‌هایی قرار دهند که به حل مشکلات زیست‌محیطی راغب بوده و تخصص لازم را در این زمینه دارا می‌باشند.

سابقه

با آگاهی از برخی نظرات نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، مروری بر سابقه و روند تشکیل گردهمایی‌های مهم جهانی پیرامون موضوعات اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی که طی دهه‌های گذشته بنا بر ابتکار و تحت نظارت سازمان ملل متحد برگزار شده‌اند ضروری به نظر می‌رسد. گردهمایی‌هایی که مباحث و نتایج آن‌ها زمینه‌ساز مذاکرات پیچیده‌تری در کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد شدند. ریشه برگزاری کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد را باید در کنفرانس محیط زیست انسانی ملل متحد^۱ جستجو کرد که در سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) در استکهلم برگزار گردید. در این کنفرانس، اعلامیه و برنامه عمل استکهلم تصویب شد و برای اولین بار در کنار توسعه، انگاره حفظ محیط‌زیست در سطحی گسترده و رسمی مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفت.

در اجلاس سران زمین، سه سند "اعلامیه ریو" شامل تعهد سیاسی دولت‌ها به تحقق توسعه پایدار، "دستور کار ۲۱" حاوی رهنمودهایی برای زندگی در قرن بیست‌ویکم و "بیانیه اصول جنگل" شامل اصولی برای حفاظت از جنگل‌ها مورد تصویب قرار گرفت. در حاشیه این کنفرانس، نمایندگان عالی‌رتبه بسیاری از دولت‌ها متن "کنوانسیون تغییر آب و هوا" و "کنوانسیون تنوع زیستی" را امضا نمودند و بدین ترتیب بر ضرورت توجه به پیامدهای منفی تغییر آب و هوا از جمله گرمایش زمین و نیز حفظ تنوع در گونه‌های گیاهی و جانوری در پهنه خشکی، هوا و دریا تأکید نمودند.

تشکیل کمیسیون توسعه پایدار ملل متحد و تقویت تشکیلات جهانی محیط‌زیست^۱ از دیگر دستاوردهای اجلاس سران زمین بود که طی بیست سال گذشته فعال بوده‌اند. در این مدت کمیسیون توسعه پایدار ملل متحد تعداد ۱۹ جلسه سالانه داشته و ابعاد توسعه‌ای و زیست‌محیطی موضوعات مهمی چون انرژی، بیابان‌زایی، توسعه روستایی، حمل‌ونقل، کشاورزی، آب، اسکان بشری، بهداشت، معدن، پسماندهای شیمیایی، آلودگی هوا، تغییر آب و هوا، الگوهای تولید و مصرف پایدار را مورد بررسی قرار داده و در مواردی به توافقاتی رسیده است. تشکیلات جهانی محیط‌زیست در پنج دوره مالی بیش از چهارده میلیارد دلار آمریکا برای طراحی و اجرای پروژه‌های زیست‌محیطی در زمینه‌های: آب‌های بین‌المللی، از بین رفتن لایه ازن، فرسایش زمین، مواد شیمیایی، تنوع زیستی، مدیریت پایدار جنگل و تغییر آب و هوا از طریق کارگزاران خود به دولت‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد اختصاص داده و هزینه نموده است.

در اجلاس سران زمین، واژه "توسعه پایدار" متولد گردید و فصل جدیدی در تاریخ تمدن بشری گشوده شد. مفهوم توسعه پایدار، پیشبرد و تحقق همزمان توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی با رعایت ملاحظات زیست‌محیطی است. این درسی است که بشریت از گذشته خود به‌ویژه دوران پس از انقلاب صنعتی گرفته و به این نتیجه رسیده که توسعه نه تنها اجتناب‌ناپذیر که لازم است و محیط زیست نباید قربانی فعالیت‌های توسعه‌ای انسان شود.

به عبارت دیگر، ادامه پیشرفت و تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی در درازمدت، با نابودی منابع طبیعی ممکن نیست. می‌توان قاطعانه اذعان نمود که جامعه بین‌المللی از زمان برگزاری کنفرانس محیط‌زیست و توسعه ملل متحد در ریودوژانیرو و نشست‌های بعدی در مورد این برداشت توافق نظر داشته و مذاکرات در گردهمایی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور یافتن راهکارها و نیز چاره‌جویی براساس همین تفاهم بوده‌اند.

در بیست سال گذشته و براساس مصوبات ریو، به تدریج نه گردهمایی مهم بین‌المللی به شرح زیر برگزار شدند که به بیان عناوین و نتایج آنان بسنده می‌شود:

- کنفرانس جهانی توسعه پایدار کشورهای جزیره‌ای کوچک درحال توسعه در باربادوس در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳). نتیجه: اعلامیه و برنامه عمل باربادوس؛

- اجلاس سران جهان درخصوص توسعه اجتماعی در دانمارک در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴). نتیجه: اعلامیه و برنامه عمل کپنهاگ؛

- چهارمین کنفرانس جهانی درخصوص زنان در چین در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴). نتیجه: اعلامیه و برنامه عمل پکن؛
- دومین کنفرانس اسکان بشری ملل متحد در ترکیه در سال ۱۹۹۶ (۱۳۷۵). نتیجه: اعلامیه استانبول و دستور کار هیئات؛
- اجلاس هزاره سران در نیویورک در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹). نتیجه: سند اجلاس سران؛
- سومین کنفرانس ملل متحد درخصوص کشورهای کمتر توسعه یافته در بلژیک در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰). نتیجه: برنامه اجرایی بروکسل؛
- اجلاس سران توسعه پایدار در آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱). نتیجه: اعلامیه سیاسی و برنامه اجرایی ژوهانسبورگ؛
- کنفرانس بین‌المللی کشورهای در حال توسعه محصور در خشکی و ترانزیت در قزاقستان در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲). نتیجه: اعلامیه و برنامه عمل آلماتی؛
- چهارمین کنفرانس ملل متحد در مورد کشورهای کمتر توسعه یافته در ترکیه در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰). نتیجه: اعلامیه سیاسی و برنامه اجرایی استانبول؛
- گردهمایی‌های مهم یاد شده در سطح سران یا وزرا تشکیل گردیده و در مصوبات خود دولت‌ها را به رعایت دستورالعمل‌های خاصی پیرامون موضوعات در دستور کار خود در اداره کشور و نیز در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی دعوت نمودند.
- همچنین، در این مدت شش ابزار حقوقی زیست محیطی بین‌المللی به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت که پنج مورد اول آن‌ها برای دولت‌هایی که به آن پیوستند به لحاظ حقوقی الزام‌آور گردیدند.^۱
- "کنوانسیون تنوع زیستی" در سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۲)؛
- "کنوانسیون تغییر آب‌وهوا" در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳)؛
- "کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی" در سال ۱۹۹۶ (۱۳۷۵)؛
- "پروتکل ایمنی زیستی" در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۱)؛
- "پروتکل کیوتو" در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۳)؛
- "ابزار حقوقی غیرالزام‌آور درخصوص انواع جنگل‌ها" در سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۴).

۱. برای آگاهی بیشتر از سیر تحولات در تدوین و چگونگی اجرای موافقتنامه‌های جهانی زیست محیطی، به کتاب "مدیریت موافقتنامه‌های زیست محیطی بین‌المللی: سیر تحولات در رژیم‌های پایبندی و اجرا" مراجعه شود.

چالش‌های فراروی کنفرانس

در این دوره زمانی نشست‌های بسیاری تشکیل و بیانیه‌ها و برنامه عمل‌های متعدد و ابزارهای حقوقی مورد اشاره تدوین و تصویب گردیدند. اما اجرای مفاد مصوبات و میزان پایبندی دولت‌ها به آن خود مشکل دیگری بود که باید در نشست ریو به‌علاوه ۲۰ مورد توجه قرار می‌گرفت. از این رو پیش‌بینی می‌شد با توجه به حجم قابل توجه مذاکرات و مصوبات در طول چند دهه گذشته و لزوم در نظر گرفتن آخرین مواضع و تحولات در روابط بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، مذاکرات مقدماتی و اصلی در ریو پیچیده و زمان‌بر باشد. علاوه بر آن، چالش‌های فراروی جامعه بشری در سه زمینه یادشده همچنان و چه بسا در برخی موارد به‌گونه‌ای وسیع‌تر خودنمایی می‌کرد و میزان انتظارات دولت‌ها و جوامع مدنی را از کنفرانس افزایش داد. روند تخریب محیط زیست و نابودی شتاب‌آلود انواع گونه‌های گیاهی و جانوری باعث بروز نگرانی‌های زیادی شده بود و ادامه داشت. علاوه بر آن، موانع سر راه توسعه در ابعاد اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه هنوز به‌صورتی جدی وجود داشتند. طبق اظهار دبیرکل اوپک، انتظار می‌رود جمعیت جهان تا سال ۲۰۳۵ (۱۳۱۴) به بیش از هشت میلیارد و ششصد میلیون نفر برسد. هم‌اکنون حدود سه میلیارد نفر در جهان با درآمدی کمتر از دو دلار و پنجاه سنت در روز زندگی می‌کنند. حدود یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر به برق دسترسی ندارند و دو میلیارد و هفتصد میلیون نفر برای تأمین نیازهای اولیه زندگی خود از انرژی‌های زیست‌توده استفاده می‌کنند (سال‌البدیری، ۱۳۹۱).

طبق گزارش سازمان ملل متحد که به ارزیابی پیشرفت‌های به‌دست‌آمده در دوره زمانی اجرای اهداف توسعه هزاره^۱ پرداخته، بیش از ۸۵۰ میلیون نفر یعنی ۱۵/۵ درصد جمعیت جهان در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷) دچار سوء‌تغذیه یا گرسنگی بوده‌اند. برنامه‌های مقابله با سوء‌تغذیه کودکان به‌کندی اجرا شده و وزن نزدیک به یک‌سوم کودکان در جنوب آسیا در سال ۲۰۱۰ کمتر از حد معمول بوده است. به‌رغم افزایش جمعیت، تعداد مرگ و میر کودکان زیر پنج سال در جهان از ۱۲ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) به ۷/۶ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ (۱۳۷۹) رسید

۱. اهداف توسعه هزاره Millennium Development Goals در ۸ بند طی اجلاس هزاره سران در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) در مقر سازمان ملل متحد نیویورک به تصویب رسید و مقرر گردید کلیه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای تحقق اهداف تعیین شده تا سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) با یکدیگر همکاری و تلاش نمایند. علاقمندان می‌توانند برای آگاهی از اهداف توسعه هزاره به تارنمای سازمان ملل متحد مراجعه نمایند.

که نشان‌دهنده مؤثر بودن تلاش‌ها در این زمینه بوده است. میزان مرگ‌ومیرهای قابل پیشگیری ناشی از زایمان در مقایسه با سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) کاهش یافته ولی سرعت بهبودی وضعیت کم بوده است. زنان همچنان از تبعیض در دسترسی به آموزش، فرصت‌های شغلی و اموال و دارایی رنج می‌برند و خشونت علیه آنان هنوز ادامه دارد (گزارش پیشرفت اهداف توسعه هزاره، ۲۰۱۲: ۴-۵).

طبق گزارش یادشده، تعداد افراد فقیر خوشبختانه روند نزولی داشته و افراد با درآمد زیر ۱/۲۵ دلار در روز از ۲ میلیارد نفر یعنی ۳۳ درصد مردم جهان به ۱/۴ میلیارد نفر یعنی ۲۴ درصد جمعیت جهان در سال ۲۰۰۸ رسیده است. تعداد دانش‌آموزان ابتدایی در جنوب صحرای آفریقا از ۵۸ درصد در سال ۱۹۹۹ به ۷۶ درصد در سال ۲۰۱۰ رسید. باوجود کاهش در سهم جوامع شهری زاغه‌نشین، تعداد ۶۵۰ میلیون نفر زاغه‌نشین در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) به تعداد تخمینی ۸۶۳ میلیون نفر رسیده است. ۱۹ درصد جمعیت روستایی و چهار درصد جمعیت شهری در سال ۲۰۱۰ (۱۳۷۹) از آب غیرسالم استفاده کردند. نزدیک به ۲/۵ میلیارد نفر در کشورهای درحال توسعه هنوز به امکانات بهداشتی دسترسی ندارند. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) تنها ۶۷ درصد مردم جهان به آب و بهداشت دسترسی پیدا کنند، در حالی که طبق اهداف توسعه هزاره، ۷۵ درصد در نظر گرفته شده است. بر مشکلات یادشده باید زیان‌های فراوان و قابل پیشگیری ناشی از بلایای طبیعی را نیز افزود که از جمله موانع تحقق توسعه پایدار بوده‌اند.

از دیگر چالش‌های پیش روی کنفرانس، سرنوشت کمیسیون توسعه پایدار بود. کمیسیونی که به هنگام تصمیم‌گیری باید سه عنصر اصلی توسعه پایدار یعنی "توسعه اقتصادی"، "توسعه اجتماعی" و "حفظ محیط زیست" را مدنظر قرار می‌داد. با توجه به تنوع فراوان مواضع دولت‌ها و در نتیجه پیچیده شدن موضوعات، تصمیم‌گیری پیرامون برخی موضوعات در دستور کار کنفرانس بسیار مشکل و بعضاً غیرممکن می‌گردید. نمونه آن، پانزدهمین و نوزدهمین نشست کمیسیون توسعه پایدار بود که در هر کدام، نمایندگان دولت‌ها بعد از پنج هفته مذاکره طی دو سال به تفاهم و نتیجه مشخص نرسیدند. البته پس از برگزاری اجلاس هزاره سران در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) نیویورک و تصویب اهداف توسعه هزاره، وظایف کمیسیون توسعه پایدار ابعاد جدیدی پیدا کرد و با تهیه و تصویب یک "برنامه کاری" زمان‌بندی شده دستور کار جلسات خود

1. Economic Development
2. Social Development
3. Environmental Protection

تا سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) که موضوعات مطرح در چارچوب توسعه پایدار را در بر می‌گرفت مشخص نمود.

از جمله چالش‌ها، نحوه برخورد با کمبودهای مالی تشکیلات جهانی محیط‌زیست برای تأمین هزینه‌های تعداد قابل توجه پروژه‌های پیشنهادی زیست محیطی، پایبندی بیشتر به موافقت‌نامه‌های زیست محیطی بین‌المللی موجود، خاتمه دوران اعتبار پروتکل کیوتو در آخر سال ۲۰۱۲ (دی ۱۳۹۱)، چگونگی برخورد با پدیده گرمایش زمین در دوران بعد از آن و چگونگی برقراری توازن بین سه عنصر اصلی توسعه پایدار در آینده بود. از دیگر موضوعات مهم و مطرح، راه‌های افزایش منابع مالی برای تأمین هزینه‌های توسعه پایدار، نحوه انتقال و توسعه فناوری‌های مورد نیاز، آموزش، تجارت به‌عنوان موتور محرک توسعه، سازوکارهای مورد نیاز برای انتقال تجربیات کشورها و جوامع و راه‌های تقویت نقش جوامع مدنی بود که افراد شرکت‌کننده در کنفرانس از سراسر جهان باید در مورد آن‌ها مذاکره و تصمیم‌گیری می‌کردند.

روند شکل‌گیری سند

سند پایانی "اجلاس ریو +۲۰" در ۵۲ صفحه، شش بخش، ۲۸۳ بند و حاوی حدود ۳۰ موضوع با اهمیت بین‌المللی توسط نمایندگان رؤسا و سایر مقامات دولت‌های شرکت‌کننده تصویب گردید. اما روند تهیه و تصویب آن به علت پیچیدگی، گستردگی و اهمیت موضوعات مطرح در چارچوب توسعه پایدار مذاکرات طولانی را موجب شد. در مجموع یک دور مذاکرات مقدماتی در سطح پنج منطقه جغرافیایی سازمان ملل متحد و سه دور مذاکرات مقدماتی در سطح جهانی در شهرهای نیویورک و ریودوژانیرو با حضور نمایندگان دولت‌ها برای تهیه و تدوین سند برگزار گردید. با در نظر گرفتن اصلاحیه‌های پیشنهادی دولت‌ها برای گنجاندن در پیش‌نویس، تعداد صفحات پیش‌نویس به بیش از ۲۵۰ هم رسید. این در حالی بود که نمایندگان تعدادی از دولت‌ها خواهان تدوین یک پیش‌نویس مختصر و جامع بودند.

در طول پنج روز از آخرین دور مذاکرات مقدماتی در ریودوژانیرو و به‌رغم تلاش‌های به‌عمل‌آمده برای کوتاه و مختصر شدن متن، پیش‌نویس همچنان طولانی و مذاکرات همراه با اختلافات نامتناسب با فرصت باقی‌مانده بود. از این‌رو، دولت میزبان به‌عنوان رئیس اجلاس برای جلوگیری از به نتیجه نرسیدن مذاکرات، مأموریت‌های محوله به رؤسای کارگروه‌ها را لغو و با آگاهی از حساسیت‌ها و مواضع کشورها و نهادهای غیردولتی، پیش‌نویس جدید و کوتاه‌تری را پس از مشورت‌های دوجانبه با

برخی اعضای صاحب نظر تهیه و ارائه نمود. با موافقت نمایندگان دولت‌های شرکت کننده، متن جدید به عنوان اساس مذاکرات در طول دو روز باقی مانده مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت با انجام اصلاحاتی با اجماع به تصویب سران و سایر مقامات کشورهای شرکت کننده رسید.

با توجه به حضور وسیع جوامع مدنی به عنوان کنش‌گران فعال در گردهمایی‌های بزرگ سازمان، نمی‌توان از طرح نقش مؤثر آنان در طول مذاکرات و تصمیمات کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد هر چند به‌طور مختصر چشم‌پوشی نمود. واژه مورد استفاده برای آن‌ها در نظام ملل متحد، "گروه‌های بزرگ"^۱ است که در اجلاس سران زمین ۱۹۹۲ (۱۳۷۱) به رسمیت شناخته شده و با حضور فعالانه در کلیه جلسات کمیسیون توسعه پایدار تاکنون به ایراد مواضع خود پیرامون موضوعات متنوع در دستور کار پرداخته‌اند. گروه‌های بزرگ در قالب کارگروه‌های تخصصی و نیز در گردهمایی‌های بزرگ اعضا در ریو، به موازات جلسات نمایندگان دولت‌ها، به بررسی محتوای پیش‌نویس سند پرداخته و نظرات اصلاحی خود را در تماس‌های دوجانبه با نمایندگان دولتی و هیأت رئیسه اجلاس در میان گذارده و در نشست‌های رسمی طی بیانیه‌هایی در فرصت‌های اختصاص داده شده اعلام نمودند.

نگاهی به مواضع دولت‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد

خلاصه کردن و طرح مواضع نمایندگان دولت‌ها و نهادهای مردم‌نهاد که طی چندین ماه مذاکره فشرده صورت گرفته کار آسانی نیست. با این وجود، تلاش می‌گردد نکات اصلی مواضع چالش‌برانگیز مطرح شده در جلسات آورده شود. ناگفته نماند گروه ۷۷ به‌رغم برگزاری جلسات متعدد هماهنگی، از مواضع یکسانی در برخی موضوعات تحت بررسی در کنفرانس برخوردار بوده است.

در آغاز مذاکرات، تعدادی نمایندگان از کشورهای آمریکا، روسیه، کانادا، زلاندنو و ژاپن خواهان تدوین و تصویب یک سند کوتاه و صریح بودند. در حالی که برای گروه ۷۷ و چین، حجمی معقول از سند حاوی تأکید جامعه جهانی بر تعهدات گذشته در ریو و ژوهانسبورگ، رفع نارسایی‌های موجود، و نیل به تفاهم بر روی مواضعی مشترک و مؤثر برای همکاری‌های آینده بین شمال و جنوب با توجه به شرایط جدید جهانی مهم بود.

۱. طبق اعلامیه سال ۱۹۹۲ ریو، گروه‌های بزرگ Major Groups به نه گروه اجتماعی اطلاق می‌شود که زنان، کودکان و جوانان، مردم بومی، تشکل‌های مردم‌نهاد، مقامات محلی، کارگران، اتحادیه‌های صنفی، صاحبان کسب‌وکار و صنعت‌گران، دارندگان فناوری، و کشاورزان را شامل می‌شود.

گروه ۷۷ و چین خواهان سندی بودند که در آن حق توسعه به نگرانی‌های زیست‌محیطی مرتبط می‌شد. مسئولیت مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی براساس اصل "مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت" مصوب اجلاس زمین بین کشورهای صنعتی و در حال توسعه به گونه‌ای متفاوت تقسیم شود. رفع فقر در اولویت قرار گیرد. با موضوع توسعه به طور متوازن برخورد گردد. گروه ۷۷ که از ضعف در تأمین مالی، ظرفیت‌سازی و به‌کارگیری فناوری‌های مناسب و پیشرفته برای تحقق اهداف توسعه هزاره و توسعه پایدار رنج می‌برد، خواستار تعهد قوی‌تر کشورهای توسعه یافته نسبت به فراهم آوردن وسایل اجرایی شد. رفع موانع ناشی از مالکیت فکری به منظور آسان شدن جریان انتقال فناوری و ایجاد یک سازوکار دائمی در چارچوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای ارتقا، نظارت و ارزیابی دقیق انتقال فناوری و میزان کمک‌های مالی برای تحقق توسعه پایدار با ذکر آمار و ارقام از دیگر خواسته‌های کشورهای در حال توسعه بودند.

با اشاره به تخمین سازمان ملل متحد مبنی بر نیاز کشورهای در حال توسعه به منابع مالی به میزان دو تریلیون دلار برای تحقق سیاست‌های مربوط به اقتصاد سبز، گروه ۷۷ و چین ایجاد یک صندوق جهانی برای جمع‌آوری کمک‌های مالی داوطلبانه دولت‌ها و جوامع مدنی و بخش خصوصی و اختصاص منابع اضافی سالانه توسط کشورهای توسعه یافته به میزان ۳۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۱۷ و یکصد میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۰ برای انجام تعهدات جدید را پیشنهاد داد. گروه کشورهای در حال توسعه همچنین خواهان افزایش بودجه "فعالیت‌های اجرایی" برنامه عمران ملل متحد، تقبل مسئولیت بیشتر توسط مؤسسات مالی بین‌المللی برتون وودز برای تأمین مالی توسعه پایدار و ارتقا سازوکارهای مالی بین‌المللی برای جلوگیری و حل بحران‌های فعلی مربوط به قروض شدند.

نماینده آمریکا خواهان اشاره به انتقال فناوری به صورت داوطلبانه با توافق متقابل طرف‌ها بود و همراه با نمایندگان سایر کشورهای صنعتی با ذکر انتقال بدون قید و شرط فناوری‌ها به کشورهای در حال توسعه مخالفت نمود. این کشور همچنین به همراه نروژ حامی گنجاندن "حق باروری" در سند بود که با مخالفت برخی کشورهای در حال توسعه روبرو شد. عدم اشاره به اصل "مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت" و اختصاص "۰/۷ درصد تولید ناخالص ملی برای کمک‌های رسمی توسعه‌ای" به دلیل تغییر شرایط اقتصادی بین‌المللی، ضرورت فعال‌تر شدن کشورهای در حال توسعه با درآمد متوسط در اعطای کمک مالی به کشورهای نیازمند، محدود شدن اعطای تسهیلات مالی به کشورهای فقیر بسیار مقروض، تأمین منابع مالی توسعه پایدار از طریق منابع داخلی و همکاری جنوب-جنوب، ضرورت تقویت بخش خصوصی، اهمیت تجارت و بهره‌برداری

بهبود بهینه از کمک‌های رسمی توسعه‌ای از دیگر مواضع اعلام‌شده دولت آمریکا در طول مذاکرات بود. استدلال نمایندگان دولت آمریکا آن بوده که دولت‌های کمک‌کننده کم‌وبیش دچار بحران‌های مالی، رکود اقتصادی یا بحران بدهی‌ها هستند. از سوی دیگر، رشد اقتصادی قابل توجه برخی کشورهای در حال توسعه در دهه‌های اخیر موسوم به "اقتصادهای نوظهور" آن‌ها را از طبقه‌بندی کشورهای نیازمند خارج می‌سازد و از این‌رو دسته‌بندی کشورهای کمک‌گیرنده در شرایط جدید جهانی نیاز به تجدیدنظر دارد. این مواضع در برخی موارد توسط نماینده کانادا حمایت می‌شد.

نماینده اتحادیه اروپا بر استفاده از واژه "اقتصاد سبز" و درج شرایط آن تأکید داشت. اتحادیه در این راه از همراهی کره جنوبی و اتحادیه آفریقا نیز برخوردار شد. اتحادیه اروپا با اتخاذ مواضع قوی زیست‌محیطی خواهان ارتقای وضعیت برنامه محیط‌زیست ملل متحد به آژانس یا سازمان مسئول راهبری محیط زیست در جهان بود که با مخالفت آمریکا و برخی کشورهای در حال توسعه مواجه گردید. اتحادیه مذکور همچنین خواهان جایگزینی کمیسیون توسعه پایدار با "شورای توسعه پایدار" بود تا به صورتی قوی‌تر و با اختیارات بیشتر به نظارت و عملی‌شدن اهداف توسعه هزاره و نیز اهداف توسعه پایدار بپردازد. برخورداری از اکوسیستم دریایی سالم و تمیز و حفاظت از تنوع زیستی اقیانوس‌ها و دریاها، خاتمه‌دادن به صید غیرقانونی و گزارش‌نشده آبیان، افزایش بهره‌وری کشاورزی از طریق کشاورزی پایدار همراه با حفظ امنیت غذایی و حفاظت از تنوع زیستی و اکوسیستم‌ها، مدیریت صحیح مواد شیمیایی و پسماندها، حذف یارانه‌های مربوط به سوخت‌های فسیلی و صید آبیان، تأکید بر استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و همچنین اجرای مدیریت یکپارچه منابع آب در سطوح محلی، ملی و فراملی از دیگر مواضع اعلامی اتحادیه بود. به منظور ارزیابی بهتر و امکان‌رسیدگی بیشتر به نتایج اقدامات، نماینده اتحادیه همچنین خواستار تعیین اهداف کمی برای اقدامات زیست‌محیطی و کشاورزی پایدار در جهان بود که مورد موافقت آمریکا و اکثریت کشورهای در حال توسعه قرار نگرفت.

کشورهای توسعه‌یافته در برخی مواضع نیز اشتراک‌نظر داشتند. آن‌ها تلاش کردند با گنجانیدن عباراتی مانند ضرورت حاکمیت قانون، رعایت برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، حکومت‌گری مطلوب در سطح ملی، اشتغال‌سازنده و کار شرافتمندانه، مردم‌محوری در فعالیت‌ها و لزوم دسترسی به اطلاعات بر رابطه بین موضوعات حقوق بشری و محیط زیست و توسعه صحنه بگذارند. فعال‌تر شدن بخش خصوصی و جوامع مدنی از دیگر خواسته‌های این دسته از کشورها بود. علاوه بر آن، بر ضرورت رفع موانع و گسترش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشورها با فراهم آمدن

زمینه‌های قانونی، بسیج منابع مالی داخلی و همچنین مقابله با فساد مالی و اداری تأکید داشتند. نمایندگان کشورهای توسعه‌یافته به‌طور کلی با ایجاد سازوکاری برای نظارت بر میزان کمک‌های مالی و چگونگی انتقال فناوری مخالفت کردند. آن‌ها اظهار نمودند که با وجود اقتصادهای نوظهور در میان کشورهای درحال توسعه و رشد قابل توجه تولید ناخالص ملی آن‌ها و برخی کشورهای با اقتصاد عبوری، شرایط سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۲ ژوهانسبورگ دیگر وجود ندارد و باید در نحوه و ساختار اعطای کمک‌ها اصلاحاتی صورت پذیرد. از این رو بسیاری از آن‌ها از تأکید قوی بر تعهدات ریو و پذیرفتن تعهد بیشتر در زمینه فراهم آوردن وسایل اجرایی خودداری نمودند.

در زمینه انرژی، نمایندگان بسیاری از دولت‌ها خواهان حمایت و استقبال از ابتکار دبیرکل تحت عنوان "انرژی برای همه" شدند. ولی این نحوه برخورد با مخالفت نمایندگان کشورهای عضو اوپک که نگران پیامدهای مبهم این ابتکار و موارد مشابه بودند، مواجه شد.

نمایندگان نهادهای غیردولتی نیز با گرایشات زیست‌محیطی خود غالباً خواهان تغییراتی جدی و اساسی در سازوکارهای مربوط به محیط‌زیست و توسعه پایدار با تقویت آن‌ها، رعایت حق توسعه و حق آموزش، روی آوری به اقتصاد سبز، توانمندسازی زنان، فراهم‌شدن زمینه برای ایفای نقش بیشتر جوامع مدنی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شده و سرعت تغییرات و اقدامات را کافی نمی‌دانستند.

مروری بر مفاد سند

با طرح خلاصه‌ای از مواضع اعلام‌شده شرکت‌کنندگان در مذاکرات، نگاهی به مفاد سند برای آگاهی از آخرین تحولات در مواضع مشترک جامعه بین‌المللی درخصوص توسعه پایدار، راه‌های مورد توافق به منظور پیشبرد آن و نیز چگونگی سازوکارهای مورد نظر ضروری به نظر می‌رسد.^۲

بخش اول: "دیدگاه مشترک ما"، در این بخش رفع فقر بزرگ‌ترین چالش دنیای امروز دانسته شده و نیل بدان، به همراه تغییر الگوهای تولید و مصرف و نیز حفاظت و مدیریت منابع طبیعی، از ضرورت‌های تحقق توسعه پایدار تلقی شده‌اند. در بخش اول

1. "Energy for all" initiative

۲. در متن سند به تعداد قابل‌توجهی از مصوبات و اسناد در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی چند دهه گذشته در زمینه‌های توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفظ محیط زیست اشاره گردیده که به دلیل پرهیز از طولانی شدن مقاله از طرح آن‌ها خودداری می‌شود. در صورت نیاز به متن انگلیسی سند مراجعه گردد.

بر اهداف و اصول منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل و نیز اجرای اهداف توسعه هزاره تا سال هدف یعنی ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) با مشارکت مردم، دولت‌ها، جوامع مدنی و بخش خصوصی تصریح شده است. در این بخش همچنین بر لزوم تلاش برای نیل به جهانی عادلانه، برابر و فراگیر تأکید شده و ضمن مردم‌محور خواندن توسعه پایدار، بر اهمیت آزادی، صلح، امنیت و رعایت حقوق بشر تصریح شده است.

بخش دوم: "تجدید تعهد سیاسی"، بر تعهد دولت‌ها به اجرای اصول مندرج در اعلامیه ۱۹۹۲ ریو از جمله اصل "مسئولیت مشترک اما متفاوت" و کلیه "برنامه عمل"‌های مصوب در نشست‌های مهم گذشته تصریح شده است. همچنین، اهمیت سه کنوانسیون زیست‌محیطی بین‌المللی مشهور به "کنوانسیون‌های ریو" شامل کنوانسیون مقابله با تغییر آب و هوا، کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی برای تحقق توسعه پایدار گوشزد شده است. در این بخش جامعه بین‌المللی با اعتراف به این که در حال حاضر یک میلیارد نفر در فقر مفرط به سر می‌برند، ۱۴ درصد مردم جهان دچار سوءتغذیه‌اند و نرخ بیکاری بسیار بالاست و بحران‌های مالی، اقتصادی، غذایی و انرژی اثرات سویی بر تحقق توسعه پایدار داشته‌اند، اظهار نگرانی شده است. همچنین نتیجه‌گیری شده که به‌طور کلی طی بیست سال گذشته پیشرفت‌های نامتوازی در زمینه‌های رفع فقر و تحقق توسعه پایدار و نیز یکپارچگی سه بُعد آن وجود داشته است. شکاف‌های توسعه‌ای بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته با تنوع بخشی و رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست باید کاهش یابد و در این راستا ایجاد فضای مناسب در سطوح ملی و جهانی و همکاری بین‌المللی جهت حمایت از تلاش‌های کشورهای در حال توسعه برای محو فقر، توانمندسازی زنان و مردم فقیر و سایر اقشار آسیب‌پذیر، ظرفیت‌سازی، توسعه کشاورزی پایدار، ایجاد فرصت‌های شغلی شرافت‌مندانه و تدوین سیاست‌های اجتماعی مؤثر به‌منظور تحقق اهداف توسعه هزاره ضروری است.

پدیده تغییر آب و هوا به‌عنوان یک بحران، ضرورت حفاظت از کره زمین و انواع اکوسیستم‌ها، مشکلات مردم سرزمین‌های مستعمره و تحت اشغال، نیاز خاص مردم دارای شرایط بشردوستانه اضطراری پیچیده و مردم تحت تأثیر تروریسم، نیازهای ویژه کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه، کشورهای کمتر توسعه‌یافته، کشورهای محصور در خشکی و آفریقا از دیگر موضوعات مورد اشاره در سند است. همچنین، درگیر شدن "گروه‌های بزرگ" و سایر اقشار جامعه مانند کارمندان دولت در سطوح مختلف، قانون‌گزاران، دستگاه قضایی، اشخاص دچار ناتوانی جسمی و مهاجران در

فعالیت‌های مربوط به توسعه پایدار از دیگر لوازم موفقیت در تحقق توسعه پایدار تلقی شده‌اند.

بخش سوم: "اقتصاد سبز در چارچوب توسعه پایدار و محو فقر"، در این بخش به شرح جوانب و ویژگی‌های اقتصاد سبز پرداخته است. از جمله شرایط در نظر گرفته شده رعایت حقوق بین‌الملل، اولویت راهبردها و سیاست‌های ملی، حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود، ضرورت درگیر بودن کلیه عوامل از جمله دولت‌ها، جوامع مدنی و دانشگاهی و نیز بخش خصوصی در قالب مشارکت عمومی-خصوصی، لزوم در نظر گرفتن شرایط و نیازهای خاص کشورها، اهمیت توجه به فقرزدایی و ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی موسوم به سبز، ارزیابی فواید و مضار اقتصاد سبز و نیاز به اقدام به‌منظور تغییر الگوهای ناپایدار تولید و مصرف می‌باشند. در این راستا و برای عملی شدن سیاست‌ها، بر ضرورت حمایت از کشورهای در حال توسعه در این روند با بسیج منابع مالی، ارائه کمک‌های فنی و تبادل اطلاعات، اهمیت فناوری‌های مورد نیاز از جمله فناوری ارتباطات با نرخ‌های ترجیحی و اهمیت انتقال آن، ادامه ارائه غیرمشروط کمک‌های رسمی توسعه‌ای و نیز حفظ و مدیریت منابع طبیعی تأکید شده است.

بخش چهارم: "چارچوب ساختاری برای توسعه پایدار"، به ضرورت تقویت ساختارها در سطوح ملی و بین‌المللی شامل تقویت ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار و ترتیبات بین دولتی در این زمینه، بُعد زیست‌محیطی، نقش مؤسسات مالی بین‌المللی و فعالیت‌های اجرایی نظام ملل متحد و وظایف سازوکارهای منطقه‌ای، ملی و محلی برای تحقق توسعه پایدار اشاره گردیده و ترتیبات جدیدی در نظر گرفته شده است. این بخش، حکومت‌گری مؤثر در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی به نمایندگی از سوی کلیه عوامل درگیر و دارای منفعت برای پیشبرد توسعه پایدار را ضروری دانسته است.

در تشریح ویژگی‌ها و وظایف یک ساختار مطلوب به یک‌پارچگی متوازن سه عنصر توسعه پایدار، نتیجه و عمل‌گرایی، اهمیت رابطه بین چالش‌ها و نیازها از یک سو و رهیافت نظام‌مند در قبال آنان از سوی دیگر، ضرورت ارتقای همگونی و هم‌سویی و شفافیت به هنگام همکاری، مشارکت مؤثر کلیه کشورها در روند تصمیم‌گیری، درگیر شدن رهبران عالی‌رتبه سیاسی در تصمیم‌گیری و اقدام در زمینه توسعه پایدار، اهمیت یافته‌های علمی، افزایش مشارکت جوامع مدنی و دیگر عوامل ذی‌ربط در اجرای توسعه پایدار و بررسی میزان پیشرفت در اجرای تعهدات صورت گرفته اشاره شده است. در ادامه، بر مسئولیت‌ها و وظایف مجمع عمومی و شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد طبق مفاد منشور ملل متحد تصریح شده و تشکیل یک مجمع عالی‌رتبه

سیاسی جهانشمول، به جای کمیسیون توسعه پایدار، با استفاده از تجربیات و منابع کمیسیون پیش‌بینی شده است.

در این راستا، یک روند مذاکره‌ای شفاف و فراگیر بین‌دولتی تحت مدیریت مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای تعریف و تعیین ابعاد سازمانی مجمع عالی‌رتبه سیاسی شروع به کار نموده و گزارشی از تصمیمات خود به شصت‌وهشتمین نشست مجمع عمومی سازمان در سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) ارائه خواهد داد. طبق تصمیم کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد، مجمع عالی‌رتبه می‌تواند مسئولیت راهبری و توصیه‌ای برای توسعه پایدار، یکپارچگی سه عنصر توسعه پایدار، گردهمایی و مذاکره و گفتگو، تهیه یک دستورکار پویا و متمرکز و عمل‌گرا، جلب مشارکت صندوق‌ها و برنامه‌ها و سایر نهادهای مالی و تجاری چندجانبه و نیز ارکان قراردادی^۱ در محدوده وظایفشان، هماهنگ کردن امور مربوط به توسعه پایدار در نظام ملل متحد، تبادل تجربیات در جریان اجرا و جمع‌آوری اطلاعات متفرقه و استفاده از یافته‌های علمی را به عهده گیرد.

در این بخش از سند، تقویت مدیریت زیست‌محیطی بین‌المللی و در آن چارچوب، تقویت برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ) به منظور حفاظت بیشتر از محیط زیست به‌عنوان یکی از عناصر سه‌گانه توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته است. از یونپ به‌عنوان یک نهاد جهانی با نقش راهبری یاد شده که به تنظیم دستورکار محیط‌زیست در سطح جهان و ارتقای اجرای هماهنگ بعد زیست‌محیطی توسعه پایدار در نظام ملل متحد می‌پردازد. برای ایفای این نقش، جهانشمولی در عضویت در یونپ، برخورداری از منابع مالی باثبات و کافی، ارتقای توانایی‌های علمی با ارزیابی‌ها و تبادل تجربیات، ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه و حمایت از دسترسی آنان به فناوری، فعال‌تر شدن جوامع مدنی در حفاظت از محیط زیست، گسترش همکاری بین سازوکارهای مربوطه و دولت‌های طرف موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی بین‌المللی و لزوم ارزیابی مکرر تغییرات در وضعیت کره زمین و اثرات آن بر رفاه مردم مورد تأکید قرار گرفته است.

شرکت‌کنندگان در اجلاس در این سند همچنین خواهان توجه بیشتر نهادها و مؤسسات مالی بین‌المللی به سه عنصر توسعه پایدار یعنی حفاظت از محیط زیست، توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی در مصوبات و برنامه‌های خود از جمله "فعالیت‌های

۱. "ارکان قراردادی" همان Treaty Bodies در زبان انگلیسی است و منظور از آن هیأت‌هایی منتخب هستند که برطبق هر موافقت‌نامه منطقه‌ای یا بین‌المللی بر نحوه اجرای صحیح آن در کشورها به‌طور خاص و در جهان به‌طور عام نظارت می‌نمایند.

اجرائی برای توسعه" شدند. آن‌ها از دبیرکل سازمان ملل متحد خواستند در مورد هرگونه پیشرفتی در این زمینه گزارشی به مجمع عمومی ارائه نماید. در سند پایانی کنفرانس همچنین بر تأثیر کلیدی کمک‌های مالی برای اجرای اهداف تعیین‌شده مورد توافق جامعه بین‌المللی مانند اهداف توسعه هزاره و نیز رابطه مستقیم بین کارآمدی در نظام توسعه‌ای ملل متحد با موفقیت‌های آن در کشورهای در حال توسعه برای محو فقر و رشد اقتصادی پایدار تأکید شده است. شرکت‌کنندگان همچنین با تأکید بر اهمیت و نقش سازوکارهای ملی و فراملی در تحقق توسعه پایدار و توجه به برنامه‌ها و اولویت‌های ملی، خواهان تدوین و تصویب و اجرای راهبردهای مربوط به توسعه پایدار در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای شدند.

بخش پنجم: "چارچوب برای اقدام و پیگیری"، در آن موضوعات مختلف مطرح در قالب توسعه پایدار مورد خطاب قرار گرفته‌اند. در پایان این بخش نیز برای تعیین "اهداف توسعه پایدار" تدابیری به عمل آمده که توضیح داده خواهد شد. در زمینه محو فقر، سند متذکر شده که به‌رغم برخی پیشرفت‌ها در بعضی مناطق و مؤثر بودن تلاش‌ها، پیشرفت‌ها غیرمتوازن بوده و فقر در برخی کشورها به‌ویژه در میان زنان و کودکان گسترش یافته است. از این رو جامعه بین‌المللی رشد اقتصادی به‌صورتی فراگیر، برابر و پایدار در کشورهای در حال توسعه را برای تحقق اهداف توسعه هزاره همراه با انجام تلاش‌هایی در سطح ملی و ایجاد محیطی مناسب و توانمندساز در سطح جهانی را ضروری دانسته است.

- امنیت غذایی، تغذیه و کشاورزی پایدار به‌عنوان چالش‌های دوران معاصر از دیگر موضوعات مطرح در این بخش است. بر حق برخورداری افراد از دسترسی به مواد غذایی سالم و کافی و نیز دور بودن از گرسنگی تصریح شده و خواهان دسترسی کشاورزان به ویژه زنان کشاورز و مردم بومی و دیگر اقشار آسیب‌پذیر به اعتبارات و سایر خدمات مالی، آموزش، بازار، دانش و فناوری مورد نیاز از جمله برای آبیاری و تصفیه پساب‌ها و برخورداری از مالکیت زمین، مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی شده است. دولت‌ها باید زمینه‌های ارتقا و موجبات کشاورزی پایدار در کشتزارها، مزارع پرورش آبزیان، جنگل‌کاری و دامداری با در نظر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی از جمله تنوع زیستی و حفظ ذخایر ژنتیک جانوران و گیاهان و نیز حفاظت از زمین و آب را فراهم آورده از فعالیت‌های افراد در این زمینه حمایت نمایند. در این راستا، اکوسیستم‌های سالم دریایی، تحقیقات کشاورزی، دسترسی به اطلاعات و دانش فنی، مورد خطاب قرار دادن علت‌های بروز نوسانات در قیمت مواد غذایی، آگاهی از اطلاعات

مربوط به سیستم حمل و نقل و وضعیت بازار و وجود یک بازار غیرتبعیض‌آمیز چندجانبه و مبتنی بر مقررات لازم می‌باشد.

- آب و بهداشت نیز از دیگر ضرورت‌های تحقق توسعه پایدار و دسترسی به آن‌ها جزو حقوق انسان‌ها تلقی می‌گردد. از این رو کنفرانس با تأکید بر تعهدات دولت‌ها در چارچوب اهداف توسعه هزاره مبنی بر به نصف رسیدن تعداد افراد بدون دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشت تأکید نموده، مدیریت یکپارچه منابع آب، برنامه‌های مربوط به بازدهی آب و بهره‌برداری از آب به‌صورت پایدار را با بسیج منابع مالی و ظرفیت‌سازی و انتقال فناوری خواستار شده است.

موضوع انرژی و ضرورت دسترسی مردم به خدمات انرژی مدرن و پایدار نیز از موضوعات مورد توجه شرکت‌کنندگان در کنفرانس بوده است. در این رابطه، جامعه بین‌المللی خود را متعهد به فراهم آوردن زمینه برای دسترسی ۱/۴ میلیارد نفر از مردم محروم در سراسر جهان به منابع انرژی مدرن می‌داند. آن‌ها همچنین افزایش کارایی انرژی، بالا بردن سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و تنوع‌بخشی به سبد انرژی، استفاده از فناوری‌های پیشرفته کمتر انرژی‌بر^۱، فناوری‌های پاک‌تر مربوط به سوخت‌های فسیلی، انجام تحقیقات علمی و در نظر داشتن پدیده تغییر آب و هوا همراه با دسترسی همه مردم به انرژی پایدار را لازم دانستند. شرکت‌کنندگان ابتکار دبیرکل سازمان ملل متحد تحت عنوان "انرژی برای همه" را مورد توجه قرار دادند.

- از نظر شرکت‌کنندگان در کنفرانس، گردشگری پایدار^۲ با حفظ محیط زیست، بالا بردن آگاهی عمومی، مراقبت از حیات وحش، حفاظت از گونه‌های جانوری و گیاهی و انواع اکوسیستم‌ها و تنوع فرهنگی میسر بوده و می‌تواند به بهبود وضع زندگی، معیشت و رفاه مردم به‌ویژه جوامع محلی بیانجامد. گردشگری پایدار شامل گردشگری فرهنگی و طبیعت‌گردی بوده و برای تحقق آن به حمایت از ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه و افزایش سرمایه‌گذاری در این زمینه نیاز است.

- در این سند، همچنین حمل و نقل پایدار^۳ نیز از لوازم توسعه پایدار با نقش کلیدی شناخته شده است. در این سیستم، وسایل حمل و نقل باید قابل ابتیاع و ایمن، به‌لحاظ زیست‌محیطی سالم و وسیله‌ای برای بالابردن برابری اجتماعی، بهبود سلامتی، گسترش ارتباط بین شهر و روستا و ارتقای بهره‌وری در مناطق روستایی باشد. در این

1. Energy-efficient Technologies
2. Sustainable Tourism
3. Sustainable Transport

چارچوب، توجه جامعه جهانی به نیازهای خاص توسعه‌ای کشورهای محصور در خشکی و کشورهای در حال توسعه ترانزیت جلب شده است.

- شرکت‌کنندگان موضوع شهرها و اسکان پایدار بشری^۱ را هم مورد توجه قرار دادند. آن‌ها تصریح نمودند که توسعه مناطق شهری و اسکان مردم نیاز به رهیافت جامع دارد که در آن به تهیه مسکن قابل اکتیاف برای مردم، فراهم آوردن زیرساخت‌ها، بالابردن کیفیت شرایط زندگی و کاری، حفاظت از میراث‌های فرهنگی و طبیعی، دسترسی مردم به خدمات اساسی و جابجایی مردم عنایت کافی شده باشد. همچنین، مردم به‌ویژه افراد فقیر در روند تصمیم‌گیری مدیریت شهری مشارکت داشته باشند. وضعیت به‌گونه‌ای باشد که محیط سالم و مساعدی برای زندگی مردم از جمله کودکان، جوانان، زنان، سالخوردگان و افراد با ناتوانی‌های جسمی فراهم شود و همه به انرژی و وسایل حمل و نقل پایدار، فضای سبز، آب آشامیدنی سالم و بهداشت، هوای پاک و شغل شرافتمندانه دسترسی داشته باشند. برنامه‌های افزایش کارایی انرژی و جابجایی افراد با وسایل نقلیه غیرموتوری پیگیری و با ایجاد زیرساخت‌های لازم، مردم به پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری ترغیب گردند. این اقدامات همراه با همکاری و تبادل تجربیات بین سازوکارهای شهری می‌تواند به توسعه پایدار شهری بیانجامد.

- در سند، سلامتی و جمعیت پیش‌نیاز و در عین حال نتیجه و شاخص سه عنصر توسعه پایدار تلقی شده‌اند. توسعه پایدار وقتی تحقق‌پذیر خواهد بود که امراض مُسری و غیرمُسری وجود نداشته باشد و مردم به‌ویژه افراد فقیر و آسیب‌پذیر، از سلامت ذهنی، جسمی و اجتماعی مساعدی برخوردار باشند. وجود ایدز، مالاریا، سل، آنفولانزا، وبا و دیگر امراض مُسری باعث نگرانی در سطح جهان شده است. امراض غیرمُسری مانند سرطان، بیماری‌های قلبی و بیماری قند نیز برای جامعه بشری تهدید محسوب می‌شوند. جامعه جهانی خواهان همکاری در سطوح ملی و بین‌المللی برای تقویت سلامتی مردم از جمله با توزیع صحیح و دسترسی مردم به دارو، انواع واکسن‌ها و فناوری‌های پزشکی به‌صورتی ایمن، مؤثر و کیفی است و در این زمینه سازمان بهداشت جهانی نقش راهبردی دارد. جامعه جهانی به کاهش مرگ‌ومیر کودکان و مادران به هنگام زایمان با بهبود وضعیت سلامتی زنان، جوانان و کودکان متعهد است. فراهم‌آمدن دسترسی جهانی به بهداشت باروری و برنامه تنظیم خانواده و سلامتی جنسی ضروری است.

- اشتغال به کار کامل، شرافتمندانه و سازنده مردم با رفع فقر و یکپارچگی اجتماعی رابطه متقابل دارند. جامعه بین‌المللی نگران شرایط بازار کار و کمبود فرصت‌های شغلی شرافتمندانه در دسترس به‌ویژه برای زنان و مردان و جوانان است. تدوین و تصویب سیاست‌ها و راهبردهایی برای اشتغال به کار جوانان به‌عنوان یک چالش جهانی ضروری است. برای ایجاد اشتغال، قبول سیاست‌های کلان اقتصادی و آینده‌نگری و نیز سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی به‌گونه‌ای مؤثر و صحیح لازم است. کارگران باید برای کسب مهارت‌ها آموزش ببینند و از مراقبت سلامتی، تأمین اجتماعی، حقوق اساسی در محل کار و حمایت‌های قانونی و اجتماعی برخوردار باشند. در این راستا، مبادله تجربیات و بهترین عملکردهای ملت‌ها، افزایش مقاومت عمومی در قبال حوادث غیرمترقبه، برقراری عدالت اجتماعی و همگرایی، رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مهاجرین صرف‌نظر از وضعیت مهاجرت آنان ضروری است.

- اقیانوس‌ها و دریاها نیز به همراه مناطق ساحلی به‌عنوان بخش‌های اصلی اکوسیستم کره زمین مورد توجه خاص بوده است. در سند، به اهمیت حفاظت و بهره‌برداری پایدار از اقیانوس‌ها و دریاها و منابع آن‌ها برای توسعه پایدار از جمله از طریق کمک به محو فقر، رشد اقتصادی مداوم، امنیت غذایی و ایجاد معیشت‌های پایدار و کار شرافتمندانه اشاره شده و متذکر گردیده که در این روند حفاظت از تنوع زیستی و محیط زیست دریایی و نیز تأثیرات آن بر تغییر آب و هوا ضروری است. گونه‌های مهاجم بیگانه یک تهدید برای اکوسیستم‌های دریایی و منابع آن معرفی شده و دولت‌ها متعهد به انجام اقداماتی برای جلوگیری از عرضه آن‌ها به طبیعت هستند. ادامه بالا آمدن سطح آب‌های آزاد، فرسایش سواحل، اسیدی‌شدن اقیانوس‌ها و سرازیر شدن مواد آلاینده تهدیدی جدی محسوب می‌گردند. میزان و نحوه بهره‌برداری از ذخایر در آب‌های آزاد مانند ماهی‌های مهاجر نباید به‌گونه‌ای باشد که منجر به نابودی آن‌ها گردد.

در مدیریت منابع آبی، شفافیت و پاسخ‌گویی مورد نیاز است و صیدهای غیرقانونی که مخفیانه صورت می‌گیرند، یک تهدید دائم برای توسعه پایدار محسوب می‌گردند. در این رابطه، یارانه‌هایی که به صید بی‌رویه آبزیان کمک می‌کنند باید حذف گردند و در عین حال دسترسی مردم دست‌اندرکار شیلات، به‌ویژه جوامع محلی و زنان در کشورهای در حال توسعه به بازار باید تضمین گردد. بر اهمیت اقتصادی، اجتماعی،

زیست‌محیطی و نیز آسیب‌پذیری مرجان‌ها و درختان مانگرو^۱ تأکید می‌گردد. اقدامات حفاظتی برای مناطق حفاظت‌شده دریایی منطبق با حقوق بین‌الملل و نیز بهره‌برداری پایدار از منابع آن‌ها ضروری است.

- در خصوص کاهش مخاطرات بلایا نیز جامعه بین‌المللی در سند موضع‌گیری نموده و بر این مهم با افزایش مقاومت در برابر بلایا با انجام اقداماتی نظیر اختصاص منابع قابل پیش‌بینی، به‌موقع و کافی، به کارگیری دستگاه‌های اعلام خطر برای کاهش آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن تأکید نموده است. در این زمینه، از کلیه عوامل درگیر شامل دولت‌ها، سازمان‌های ملی و بین‌المللی، بخش خصوصی و جوامع مدنی برای حفاظت از مردم دعوت و خواسته شده برای حفظ زیرساخت‌ها و ذخایر ملی در مقابل بلایا با یکدیگر همکاری و به‌گونه‌ای هماهنگ عمل کنند.

- تغییر آب و هوا نیز از بزرگ‌ترین چالش‌های معاصر قلمداد شده و در خصوص افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای در جهان و پیامدهای زیان‌بار آن شامل خشکسالی‌های مکرر، مشکلات شدید آب و هوایی، بالا آمدن سطح آب دریاها، فرسایش مناطق ساحلی، اسیدی شدن اقیانوس‌ها و تهدیدات ناشی از این پدیده برای امنیت غذایی و تلاش‌های مربوط به محو فقر و تحقق توسعه پایدار هشدار داده شده است. در این رابطه و برای مقابله مؤثر با پدیده جهانی تغییر آب و هوا نیاز به همکاری بین‌المللی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای وجود دارد. حفاظت از شرایط آب و هوایی برای نسل‌های حاضر و آینده براساس اصل "مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت"، عمل به تعهدات طبق مفاد موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی بین‌المللی، بسیج منابع مالی، ظرفیت‌سازی و توسعه و انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه ضروریست. در این رابطه، از تصمیم مربوط به تشکیل "صندوق سبز آب و هوا" و اجرایی شدن آن استقبال شده است.

- در سند به منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جنگل‌ها برای مردم و کمک مدیریت پایدار جنگل به تحقق توسعه پایدار اشاره شده است. در چارچوب مدیریت پایدار جنگل، کاشت درخت در مناطق جنگلی آسیب‌دیده و جنگل‌کاری درخواست شده و بر ضرورت جلوگیری از جنگل‌زدایی و فرسایش جنگل از جمله با ارتقای تجارت قانونی محصولات جنگلی و توجه به حفاظت از جنگل‌ها در هنگام تدوین سیاست‌های اقتصادی تأکید شده است. تأثیر جنگل‌ها بر کاهش گازهای گلخانه‌ای و

۱. ریشه درختان مانگرو در بستر دریا در طول بعضی سواحل کم‌عمق نهفته و شاخه‌ها و برگ‌هایشان در بالاتر از سطح آب قرار دارند. دو نمونه مشهور از این درختان حرا و چندل می‌باشد. جنگل زیبای حرا واقع در سواحل جزیره قشم در خلیج فارس مشهور است.

همچنین بهبود وضعیت معیشت مردم و جوامع محلی در چارچوب مدیریت پایدار جنگل‌ها با استفاده از منابع مالی، فناوری‌های مناسب و ظرفیت‌سازی، مالکیت زمین، شرکت مردم در روند تصمیم‌گیری‌ها و همچنین سهمین شدن در منافع ناشی از جنگل‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

- درخصوص تنوع زیستی نیز به ارزش ژنتیک، اجتماعی، اقتصادی، علمی، آموزشی، فرهنگی و زیبایی آن‌ها توجه و نقش شایان آن در حفظ اکوسیستم‌ها، تحقق توسعه پایدار و خدمات آن به رفاه و آسایش مردم اشاره شده است. از دست دادن تنوع زیستی در سطح جهان و از بین رفتن تدریجی اکوسیستم‌ها برنامه‌های توسعه‌ای در جهان را دچار تحلیل نموده بر تغذیه و امنیت غذایی اثر منفی می‌گذارد. در این چارچوب، حفاظت از تنوع زیستی و زیستگاه‌ها و بالا بردن مقاومت اکوسیستم‌ها در مقابل تهدیدات ضروریست. دانش سنتی و تجربیات مردم بومی و جوامع محلی کمک شایانی به حفظ و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی می‌نماید؛ مردمی که حیات آنان متکی به تنوع زیستی و انواع اکوسیستم‌ها است. همچنین دسترسی به منابع ژنتیک و سهمین شدن به صورتی منصفانه و عادلانه در منافع ناشی از آن‌ها، بسیج منابع مالی برای حفظ و بهره‌برداری از منابع ژنتیک، همکاری بین‌المللی و مشارکت در این زمینه و نیز کنترل تجارت بین‌المللی گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض انقراض ضروری است.

- برای مقابله با بیابان‌زایی، فرسایش زمین و خشکسالی باید به مدیریت صحیح زمین شامل خاک و کمک آن به رشد اقتصادی، تنوع زیستی، کشاورزی پایدار و امنیت غذایی، محو فقر، توانمندسازی زنان، مقابله با پدیده تغییر آب و هوا و بهبود وضعیت دسترسی به آب توجه نمود. بیابان‌زایی و فرسایش زمین از چالش‌های جهانی محسوب گشته و برای توسعه پایدار در کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه تهدید محسوب می‌شوند. تلاش فوری برای توقف و برعکس کردن روند فرسایش زمین با همکاری و بسیج منابع مالی بخش‌های خصوصی و عمومی و نظارت جهانی بر روند فرسایش در مناطق خشک، نیمه‌خشک و نیمه‌مرطوب و نیز وضعیت خشکسالی ضرورت دارد. در این راستا، همچنین ارتقای تحقیقات و بهره‌برداری از یافته‌های علمی، بهبود کیفیت خاک، مدیریت صحیح آب، احیای زمین‌های دچار فرسایش، استفاده از سیستم‌های هشداردهنده و تبادل دانش و تجربیات مورد نیاز می‌باشد.

- در سند پایانی توجه جامعه بین‌المللی همچنین به اهمیت کوهستان‌ها جلب گردیده است. در این چارچوب، نقش مناطق کوهستانی در تحقق توسعه پایدار از جمله فراهم آوردن منابع آب برای جمع‌کثیری از مردم جهان، شکنندگی اکوسیستم کوهستان‌ها به‌ویژه نسبت به تغییر آب و هوا، تأثیرات منفی جنگل‌زدایی و فرسایش

جنگل‌ها، تغییر کاربری زمین‌ها، فرسایش خاک، بلایای طبیعی بر کوهستان تأکید شده است. در سند آمده است که تلاش‌های بیشتری برای حفظ اکوسیستم‌های کوهستانی از جمله تنوع زیستی لازم می‌باشد. با اصلاح و جامع‌تر شدن دیدگاه‌ها، سیاست‌های مربوط به کوهستان‌ها باید در راهبردها و برنامه‌های ملی توسعه پایدار گنجانده شوند و در آن چارچوب، برنامه‌های کاهش فقر در مناطق کوهستانی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به اجرا در آیند.

- سند، مدیریت سالم مواد شیمیایی و پسماندها را برای حفاظت از سلامتی انسان‌ها و محیط زیست ضروری دانسته است. همزمان با افزایش به‌کارگیری و بهره‌برداری از مواد شیمیایی در جهان، باید همکاری بین‌المللی با هدف به حداقل رساندن پیامدهای منفی آن‌ها بر سلامتی مردم و محیط زیست بیشتر و بیشتر شود. در این رابطه، از عدم وجود ظرفیت‌های لازم در برخی کشورها به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته برای مدیریت سالم مواد شیمیایی خطرناک و پسماندها اظهار نگرانی شده و بر اهمیت همکاری فنی و بهبود ساختارهای مدیریتی در این زمینه تأکید شده است. گرفتن انرژی از پسماندها با مدیریت پسماندهای جامد نظیر قطعات استفاده شده الکترونیک و پلاستیک توصیه می‌گردد. اهمیت تحقیقات و ارزیابی مخاطرات ناشی از تولید و بهره‌برداری از مواد شیمیایی برای رفاه بشر و حفظ محیط زیست و ضرورت کاهش عرضه مواد شیمیایی خطرناک به طبیعت بر همگان آشکار است. اقدامات جامعه بشری برای محو ترکیبات مضر برای لایه اُزن، منجر به افزایش استفاده و رهاسازی ماده‌ای به نام هیدرو فلوئور کربن در محیط زیست شده که به افزایش دمای کره زمین کمک می‌نماید. از این رو لازم است مصرف و تولید ماده یادشده کاهش یابد.

- در سند، همچنین به رعایت تولید و مصرف پایدار طبق تعهدات دولت‌ها در اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱ اشاره گردیده و ضرورت تغییرات اساسی در روش‌های مصرف و تولید جوامع برای تحقق توسعه پایدار در جهان را یادآور شده است. دولت‌ها متعهد شده‌اند یارانه‌های غیرمؤثر سوخت‌های فسیلی را که باعث مصرف زیان‌بار و به تحلیل رفتن توسعه پایدار می‌شود لغو نمایند. تجدیدنظر در نظام مالیاتی و لغو یارانه‌های مضر می‌تواند به نارسایی‌ها در بازار خاتمه دهد. البته در این راستا باید به نیازها و شرایط ویژه کشورهای در حال توسعه با هدف به حداقل رساندن اثرات این‌گونه اقدامات بر روی توسعه آن‌ها و مردم فقیر توجه نمود. در این رابطه از مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت شده یک نهاد را مسئول اجرای "چارچوب برنامه‌های ده ساله الگوهای تولید و مصرف پایدار" که قبلاً تصویب شده بنماید.

- در خصوص معدن در سند آمده است که جامعه بین‌المللی به اهمیت مواد معدنی و فلزات و اثرات بهره‌برداری از آن‌ها در کمک به اقتصاد جهانی، توسعه اقتصادی و جوامع مدرن آگاه است. بدیهی است کشورها طبق حقوق حاکمیتی خود می‌توانند منابع معدنی خود را با توجه به اولویت‌ها و مسئولیت‌های ملی توسعه داده و مورد بهره‌برداری قرار دهند. فعالیت‌های معدنی در حالی که منجر به کسب منافع اجتماعی و اقتصادی می‌گردند باید از پادمان‌های مؤثری نیز برای کاهش اثرات منفی زیست‌محیطی و اجتماعی از جمله پس از خاتمه فعالیت‌ها برخوردار باشند؛ به گونه‌ای که اکوسیستم‌ها و تنوع زیستی دچار مخاطره نگردند. همچنین، با رعایت اصول شفافیت و پاسخ‌گویی، از مؤثر بودن سازوکارهای موجود برای جلوگیری از جریان غیرقانونی مالی ناشی از فعالیت‌های معدنی جلوگیری به عمل آید.

- موضوع آموزش کیفی و گسترده نیز به‌ویژه برای افزایش آگاهی عمومی نسبت به توسعه پایدار و اصل "پایداری" مورد توجه شرکت‌کنندگان در اجلاس بوده است. دولت‌ها متعهد به رعایت حق آموزش برای کلیه افراد از جمله افراد دچار ناتوانی، مردم بومی، جوامع محلی، اقلیت‌های قومی و مردم مناطق روستایی هستند. دسترسی کلیه افراد به آموزش کیفی در تمامی سطوح پیش‌نیاز تحقق توسعه پایدار، محو فقر و توانمندسازی زنان است. باید همکاری بین‌المللی برای تحقق دسترسی عموم به آموزش ابتدایی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه تقویت گردد. سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه آموزش و تقویت زیرساخت‌های آموزشی، ارائه تسهیلات آموزشی و آموزش پایداری در مراکز تعلیم و تربیت، تقویت خلاقیت‌ها و تشویق به نوآوری، استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی برای بالابردن بازده آموزشی مورد نیاز می‌باشد.

- توانمندسازی زنان نیز از دیگر موضوعات مورد توجه نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده بوده است. نقش حیاتی زنان در تحقق توسعه پایدار با توجه به توانایی‌های بالقوه آنان بر همگان آشکار است. توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی در اعلامیه هزاره سران مورد تأکید قرار گرفته و در این چارچوب شرکت آنان در روند تصمیم‌گیری در سطوح مختلف مدیریتی باید در اولویت باشد. دولت‌ها متعهد می‌شوند به جمع‌آوری، تحلیل و استفاده از شاخص‌های جنسیتی و اطلاعات مربوطه برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و نظارت با توجه به شرایط کشورهای متبوع خود پردازند. آن‌ها همچنین متعهد هستند که فرصت‌های برابر برای زنان در روند تصمیم‌گیری و اختصاص منابع برای حضور آنان در فعالیت‌های اقتصادی فراهم آورند. دسترسی زنان و دختران به

آموزش، خدمات اساسی، فرصت‌های اقتصادی، خدمات مربوط به مراقبت‌های سلامتی و باروری باید ارتقا یابد.

همچون سایر نشست‌های بزرگ سازمان ملل متحد در گذشته، در این سند نیز به مشکلات خاص کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه، کشورهای کمتر توسعه یافته، کشورهای محصور در خشکی و آفریقا با اختصاص قسمت‌هایی به اعلامیه‌های مصوب و برنامه‌های عمل به ترتیب باربادوس، استانبول و آلماتی اشاره شده است.

- تعیین اهداف توسعه پایدار از تصمیمات مهم کنفرانس بود. شرکت‌کنندگان با اشاره به اهداف توسعه هزاره و نقشی که می‌توانند در تعیین اولویت‌های ملی و بسیج منابع و افراد برای نیل به آن داشته باشند، بر اهمیت اهداف یادشده تأکید نمودند. آن‌ها سپس به تشریح ویژگی‌های اهدافی پرداختند که قرار است در آینده نزدیک تدوین و ارائه گردند. این اهداف باید براساس دستورکار ۲۱، برنامه اجرایی ژوهانسبورگ، اولویت‌ها و شرایط و ظرفیت‌های ملی کشورهای مختلف، حقوق بین‌الملل، تعهدات قبلی دولت‌ها و مصوبات نشست‌های قبلی سازمان ملل متحد در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی بوده و به گونه‌ای متوازن سه عنصر تشکیل‌دهنده توسعه پایدار را مورد خطاب قرار دهند. اهداف باید صریح، قابل اجرا، با تعداد محدود و جهانشمول بوده با مشارکت دولت‌ها، جوامع مدنی و دانشگاهی تدوین گردند. برای تحقق آن، یک کارگروه متشکل از ۳۰ نفر از نمایندگان دولت‌های عضو شکل می‌گیرد تا روش کاری و نحوه مشارکت کنش‌گران را مشخص نموده و اهداف موردنظر برای توسعه پایدار را برای بررسی و تصویب اجلاس ۶۸ مجمع عمومی در پاییز سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) پیشنهاد نماید. بدیهی است دبیرکل سازمان ملل متحد با در اختیار گذاردن کمک‌های فنی و تخصصی به این روند یک ساله کمک خواهد نمود.

بخش ششم: "وسایل اجرایی"، که مهم‌ترین موضوعات به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه در این بخش شامل: تأمین مالی، انتقال فناوری، ظرفیت‌سازی و تجارت را شامل می‌گردد. در سند آمده هر یک از کشورها با شناسایی اولویت‌های ملی و نیازها، طراحی سیاست‌ها و با اختصاص منابع ملی، مسئولیت توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع خود را به عهده دارند. در عین حال، کشورهای در حال توسعه برای تحقق توسعه پایدار و انجام تعهدات خارجی خود به حمایت و افزایش منابع نیازمندند. از این رو، بسیج منابع مالی از کلیه منابع موجود از جمله منابع جدید و سنتی برای تأمین هزینه‌ها ضروری است. علاوه بر آن‌ها، حاکمیت قانون و حکومت‌گری مطلوب در سطوح ملی و بین‌المللی و دارا بودن یک بخش خصوصی سالم، با عملکرد خوب و مسئولانه به

لحاظ اجتماعی و زیست‌محیطی، برای نیل به رشد اقتصادی و تحقق توسعه پایدار لازم هستند.

کنفرانس به اهمیت "کمک‌های رسمی توسعه‌ای" اشاره کرده و در آن چارچوب تعهدات گذشته کشورهای توسعه‌یافته مبنی بر اختصاص ۰/۷ درصد از تولید ناخالص ملی خود به کشورهای در حال توسعه را یادآور شد. بدیهی است کمک‌های دریافتی باید به‌گونه‌ای مؤثر و شفاف همراه با پاسخ‌گویی هزینه‌گردند. بسیج منابع مالی باید شامل سرمایه‌گذاری خصوصی و تجارت، اعطای کمک به صورت وام بلندمدت و از طریق همکاری جنوب-جنوب و همکاری شمال-جنوب نیز صورت پذیرند. کنفرانس به دستاوردهای مهم تشکیلات جهانی محیط زیست در تأمین مالی پروژه‌های زیست‌محیطی طی بیست سال گذشته اشاره نمود و خواهان ساده‌تر شدن راه‌های دسترسی به منابع آن توسط کشورهای در حال توسعه شد. شرکت‌کنندگان همچنین متذکر شدند که فساد مالی، منابع را از مسیر اجرای برنامه‌های مربوط به محو فقر و جلوگیری از گرسنگی منحرف نموده از کلیه دولت‌ها خواستند به‌طور جدی با آن مقابله نمایند.

کنفرانس تصمیم گرفت به‌منظور تدوین یک "راهبرد مؤثر برای تأمین مالی توسعه پایدار" در جهان، یک کمیته بین‌دولتی برای شناسایی نیازها و تعیین راه‌های بسیج منابع مالی با همکاری سازمان ملل متحد و مؤسسات موجود مالی بین‌المللی تشکیل گردد. این کمیته ۳۰ نفره، متشکل از نمایندگان کشورها از مناطق جغرافیایی مختلف، باید گزارش خود حاوی انواع گزینه‌ها و ابتکارات در این زمینه را برای بررسی و تصویب حداکثر تا سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه نماید. در زمینه توسعه و بهره‌برداری از فناوری‌ها، کنفرانس ضمن اشاره به اهمیت و نقش مؤثر آن در تحقق توسعه پایدار تأکید نمود که باید انتقال فناوری‌ها و دسترسی به اطلاعات مورد نیاز با نرخ‌های ترجیحی و براساس موافقت طرف‌ها صورت پذیرد. همچنین، بر اهمیت تقویت ظرفیت فنی و حمایت از تحقیقات علمی در کشورها تصریح شد و این که یک فضای توانمندساز برای توسعه، تطبیق، توزیع و انتقال فناوری‌های سالم به لحاظ زیست‌محیطی مورد نیاز می‌باشد. در این رابطه، از دبیرکل سازمان ملل متحد خواسته شد به شناسایی گزینه‌ها پرداخته و درخصوص سازوکار هرگونه تسهیلاتی در این زمینه گزارشی به اجلاس ۶۷ مجمع عمومی سازمان در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) ارائه نماید.

در زمینه ظرفیت‌سازی، کنفرانس اهمیت آموزش نیروهای انسانی، تبادل تجربیات و تخصص‌ها، انتقال دانش و کمک فنی درخصوص برنامه‌ریزی و مدیریت و

پایش را متذکر گردید. شرکت‌کنندگان مشارکت کلیه محققان و دانشمندان اعم از زن و مرد در ارزیابی وضعیت محیط زیست در جهان و توسعه پایدار، ظرفیت‌سازی برای کاهش مخاطرات مربوط به بلایا و ارتقای همکاری بین بخش‌های عمومی و خصوصی را خواستار شدند. همچنین، تجارت به‌عنوان موتور محرک توسعه و رشد اقتصادی در جوامع مختلف معرفی گردید و این که نظام تجاری چندجانبه باید جهانی، منطبق با مقررات، غیرتبعیض‌آمیز و باز باشد تا نتیجه مطلوب حاصل گردد.

ارزیابی مذاکرات و نتایج کنفرانس

همان‌گونه که تبادل نظرات در طول مذاکرات مقدماتی و طی جلسات متعدد پیرامون موضوع توسعه پایدار و جوانب مختلف آن از پیچیدگی و دامنه وسیعی برخوردار بود، مسلماً ارزیابی شکلی و محتوایی مباحث و نتایج کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد نیز چندان آسان نخواهد بود. بدیهی است برای شنیدن نظریات نظریه‌پردازان در خصوص کنفرانس اخیر باید منتظر گذر زمان بود.

سطح و تعداد افراد شرکت‌کننده و طول مدت مذاکرات نشان‌دهنده حساسیت و اهمیت موضوع برای جامعه بین‌المللی بود. سران تعداد قابل توجهی از دولت‌ها در اجلاس اخیر شرکت نمودند. آن‌ها با مشاهده مشارکت گسترده و خستگی‌ناپذیر نمایندگان نهادهای دولتی و غیردولتی در برگزاری این گردهمایی که گاهی تا نیمه‌های شب به‌طول می‌انجامید، به میزان حساسیت‌ها بیش از پیش پی بردند. سران دولت‌ها نظرات خود را پیرامون ابعاد گوناگون توسعه پایدار مطرح نمودند و در جریان نظرات دیگران، مباحث و نقاط اشتراک و افتراق قرار گرفتند. اما این که چقدر مصوبات کنفرانس در دستورکار دولت‌ها قرار گیرد و اقدامات آن‌ها به تحولات در صحنه روابط بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار کمک نماید، سئوالی است که پاسخ آن را آینده خواهد داد.

در مقام مقایسه دستاوردهای دو اجلاس، می‌توان با جرأت اذعان نمود اجلاس سال ۱۹۹۲ ریو نسبت به اجلاس ریو+۲۰، به لحاظ میزان همکاری کنش‌گران، اعم از دولتی و غیردولتی و قبول تعهدات بین‌المللی نتایج مطلوب‌تر و مشخص‌تری داشت. این واقعیت، شایسته جامعه بین‌المللی که باید همواره در پی پیشرفت، تحول و همکاری بیشتر در مقابله با چالش‌های مشترک جهانی باشد نبود. البته باید توجه کرد عواقب عدم تشکیل کنفرانس در برهه زمانی فعلی نیز بدتر بود.

انتظارات رسمی از کنفرانس طبق قطعنامه مجمع عمومی، تجدید تعهدات سیاسی نسبت به تحقق توسعه پایدار، ارزیابی میزان اجرای تعهدات قبلی و بحث و بررسی پیرامون چالش‌های جدید بود. اما مواضع اعلامی در مذاکرات پیرامون حدود ۳۰ موضوع تحت بررسی در قالب توسعه پایدار، نشان‌دهنده انتظارات وسیع و در عین حال متفاوتی بود. این وضعیت به قدری آشکار و مؤثر بود که با به نتیجه نرسیدن روند مذاکرات و وجود اصلاحیه‌های متعدد مورد اختلاف در پیش‌نویس سند، نزدیک بود ناامیدی بر شرکت‌کنندگان مستولی گردد. خطر بدون نتیجه ماندن مذاکرات در روزهای آخر که با مهارت دیپلماتیک دولت میزبان مهار گردید، در صورت تحقق می‌توانست جامعه بین‌المللی را برای حداقل چند سال به حالت کُما ببرد و با عنایت به روند افزایش انتقادات، کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل متحد را در وضعیت نامطمئنی قرار دهد.

نگاهی به نظرات و مواضع نشان می‌دهد که نمایندگان اتحادیه اروپا خواهان توجه بیشتر و جدی‌تر در سند پایانی به حفظ محیط زیست همراه با تعهدات و اهداف کمی جدید و جایگزینی یونپ با یک سازوکار قوی جهانی به نام آژانس یا سازمان برای نظارت و اجرای تعهدات در این زمینه بوده‌اند. این موضع از دیدگاه نظریه‌پردازان به "سیاست سبز" مشهور است و اتحادیه را در گروه "سبزها" یا به قول برخی نظریه‌پردازان در گروه "اکورادیکال‌ها"^۱ قرار می‌دهد. نمایندگان اتحادیه با تأکید بر گنجاندن واژه جدید "اقتصاد سبز" در سند سعی داشتند وزن بیشتری به بُعد زیست‌محیطی توسعه پایدار، در مقایسه با توسعه اقتصادی و اجتماعی، داده و توجه به محیط زیست در اقتصاد آینده جهان را بیشتر و پُررنگ‌تر نمایند. به عبارت دیگر، اتحادیه می‌خواست ادامه فعالیت‌های توسعه‌ای و اقتصادی در سطوح ملی و بین‌المللی را به‌صورتی قوی‌تر مستلزم اقدامات کافی برای جلوگیری از ادامه تخریب و حفظ محیط زیست نماید. اتحادیه بدین‌وسیله تعهد به کمک‌های بیشتر را منوط به قبول رعایت بیشتر ملاحظات سبز در اقتصاد کشورهای در حال توسعه نمود.

آمریکا که نگران اثرات منفی توجه بیشتر به محیط زیست بر اقتصاد عظیم خود است، به‌رغم بهبود برخی شاخص‌ها در فعالیت‌های زیست‌محیطی‌اش، سعی نمود همچنان نقش کمرنگی به محیط زیست در سند بدهد و در این راستا از پذیرش ایجاد سازوکار قوی زیست محیطی بین‌المللی و تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی بیشتر سر باز زد. نمایندگان این کشور حتی تلاش نمودند از برخی تعهدات گذشته خود به‌ویژه در ریو و ژوهانسبورگ مبنی بر پذیرش اصل "مسئولیت مشترک اما متفاوت" به دلیل

پیامدهای آن و نیز "اختصاص ۰/۷ درصد از تولید ناخالص ملی سالانه به کشورهای در حال توسعه" در قالب کمک‌های رسمی توسعه‌ای شانه خالی کند که در نهایت با به‌کارگیری بعضی لغات و جابجایی‌ها، تنها در کم‌رنگ کردن آن موفق بود. دولت آمریکا سعی داشت مسئولیت اصلی اجرای اقتصاد سبز و توسعه پایدار در هر کشور را به عهده دولت متبوع آن بگذارد.

کشورهای پیشرفته موافق تصمیم‌گیری و ارائه رهنمود توسط نظام ملل متحد برای فعالیتهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سایر مؤسسات مالی بین‌المللی مانند تشکیلات جهانی محیط زیست که از نظام و روند تصمیم‌گیری مستقل و متفاوتی در مواجهه با چالش‌های جهانی برخوردارند نیستند. آن‌ها برای پذیرش تعهدات بیشتر در زمینه‌های مالی و انتقال فناوری‌های پیشرفته^۷ به جز برای حفظ محیط‌زیست به‌ویژه برنامه‌های مقابله با پدیده تغییر آب و هوا^۸ از طریق سازوکارهای چندجانبه مقاومت می‌کنند.

این درحالی است که کشورهای در حال توسعه همچنان افزایش قابل پیش‌بینی و کافی کمک‌های مالی و نیز انتقال فناوری‌های مناسب پیشرفته را با تقبل تعهدات بیشتر از سوی کشورهای صنعتی ثروتمند و لغو شروط غیرقابل توجیه، از راه‌های دوجانبه و چندجانبه، کمک قابل توجه خارجی به تلاش‌های ملی آنان در زمینه‌های آموزش، ظرفیت‌سازی، محو فقر، کاهش بیکاری با ایجاد اشتغال، توسعه و رشد بیشتر اقتصادی و مقابله با بیابان‌زایی را در اولویت قرار داده بودند. آن‌ها استدلال می‌کردند چالش‌های جهانی همکاری بین‌المللی را می‌طلبد. کشورهای در حال توسعه، علاوه بر مشکلات داخلی، از آثار بحران مالی و بحران بدهی‌ها که از غرب ناشی می‌شود رنج می‌برند و معتقدند جهان صنعتی باید در قبال آن احساس مسئولیت بیشتری نماید. در این راستا، خوشبختانه جامعه بین‌المللی اتفاق نظر دارد که بخش عمده‌ای از چالش‌های زیست‌محیطی به‌ویژه گرمایش زمین و تغییر آب و هوا ناشی از فعالیتهای صنعتی کشورهای توسعه‌یافته در دو قرن گذشته بوده و این دسته از کشورها باید مسئولیتهای بیشتری در مقابله با چالش‌های مشترک به‌عهده گیرند.

اکثریت کشورهای در حال توسعه تلاش نمودند از آوردن عبارات حقوق بشری در سند به دلیل ضرورت توجه به موضوع توسعه در قالب توسعه پایدار، جلوگیری نمایند و تاحدودی موفق بودند. در رابطه با میزان تأکید بر محیط زیست از جمله تغییر آب‌وهوا در سند و وزن آن، کشورهای در حال توسعه موضع یکسانی نداشتند. اتحادیه آفریقا و برخی کشورهای آمریکای جنوبی و مرکزی نظیر کاستاریکا از حمایت از توجه بیشتر به محیط زیست و اقتصاد سبز دریغ نمودند.

بند ۲۷ سند در مورد حق خودگردانی مردم در سرزمین‌های اشغالی و مستعمره که اشاره غیرمستقیم به سرزمین‌های اشغالی فلسطین دارد و در بسیاری از مصوبات بین‌المللی گنجانده می‌شود، معمولاً یک بند سیاسی محسوب شده با مخالفت آمریکا و کانادا و اعلام تحفظ^۱ اتحادیه اروپا مواجه شده است.

در خصوص منابع انرژی، توافقات مبتنی بر عقلایی کردن یارانه سوخت‌های فسیلی، بالا بردن بازدهی انرژی، استفاده از وسایل نقلیه غیرموتوری و تلاش بیشتر برای افزایش بهره‌برداری از انرژی‌های تجدیدپذیر بود. همچون سایر گردهمایی‌های مربوط به توسعه پایدار و محیط زیست، در زمینه انرژی هسته‌ای حتی برای مصارف صلح‌آمیز توافقی نبود و در نتیجه در سند به آن اشاره‌ای نشده است.

از نکات مهم این سند آن که واژه "اقتصاد سبز" برای اولین بار به‌طور رسمی مورد تصویب جامعه بین‌المللی قرار گرفت و این خود یک موفقیت برای طرفداران محیط زیست محسوب می‌گردد. با توجه به نو بودن موضوع و نیاز به بررسی بیشتر، در سند به گونه‌ای احتیاط‌آمیز به شرح جوانب و ویژگی‌های اقتصاد سبز پرداخته شده است. برخورد احتیاط‌آمیز در تأکید این بخش بر شروط و معیارهایی چون رعایت حقوق بین‌الملل، اولویت راهبردها و سیاست‌های ملی، حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود، لزوم در نظر گرفتن شرایط و نیازهای خاص کشورها، اهمیت توجه به فقرزدایی و ابعاد سه گانه توسعه پایدار در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی موسوم به سبز، ادامه ارائه غیرمشروط کمک‌های رسمی توسعه‌ای، لزوم ارزیابی فواید و مضار اقتصاد سبز و ضرورت حمایت از کشورهای در حال توسعه در این روند با ارائه کمک‌های فنی و بسیج منابع مالی و تبادل اطلاعات، تأکید بر اهمیت انتقال فناوری‌های مورد نیاز نهفته است. بدیهی است ابعاد اقتصاد سبز و پیش‌نیازها برای تحقق آن برای بحث و بررسی بیشتر و تصویب در دستور کار نشست‌های آینده قرار گیرد.

همچون هر سند پایانی دیگری، کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد برای نیل به نتیجه باید تعادلی بین مواضع گوناگون دولت‌های شرکت‌کننده ایجاد می‌نمود و همزمان قدم‌های جدیدی در جهت شتاب بخشیدن به اجرای تعهدات دولت‌ها در زمینه توسعه پایدار برمی‌داشت. ویژگی تعادل و توازن به طور مکرر در سند بچشم می‌خورد. هر جا سخن از اقتصاد سبز است، با گنجاندن عبارت: در چارچوب توسعه پایدار- و سه عنصر

۱. معادل انگلیسی آن Reservation است. در مجامع بین‌المللی، وقتی نماینده کشوری با مفاد اصلی یک پیش‌نویس تصمیم یا قطعنامه‌ای موافق است و در عین حال نسبت به تصویب برخی نکات آن ملاحظات و نگرانی‌هایی دارد، طی سخنانی به بیان ملاحظات خود پرداخته و به جریان اکثریت موافق می‌پیوندد.

تشکیل‌دهنده آن- و محو فقر، محدود شده است. وقتی عبارتی درخصوص رشد اقتصادی و فعالیت‌های توسعه‌ای وجود دارد، رعایت ملاحظات زیست محیطی و تنوع زیستی و حفظ اکوسیستم‌ها ضروری می‌گردد. همراه با تأکید بر اختصاص کمک‌های رسمی توسعه‌ای از سوی کشورهای توسعه‌یافته، اهمیت حکومت‌گری دموکراتیک و رعایت اصول شفافیت و پاسخ‌گویی گنجانده شده است. بلافاصله بعد از اشاره به حق خودگردانی مردم تحت اشغال، عباراتی درخصوص ضرورت حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها می‌آید.

اما، در کل سند اصل توازن رعایت نشده است. به نظر می‌رسد ملاحظات دولت میزبان مبنی بر جلوگیری از بدون نتیجه ماندن مذاکرات و نیل به موفقیت از یک‌سو و ضرورت بروز تحول در همکاری‌های بین‌المللی و پرهیز از رخوت و سکون در زمینه توسعه پایدار از سوی دیگر سبب شد این سند غیرمتوازن شکل بگیرد. غیرمتوازن، بدان دلیل که برای اولین بار استفاده از اقتصاد سبز در یک سند بین‌المللی به طور مکرر آورده شد؛ وضعیتی که دولت‌ها را به‌گونه‌ای بی‌سابقه به حفظ اکوسیستم‌ها و در نظر داشتن خدمات اکوسیستم‌ها متعهد می‌نماید. علاوه بر آن، محتوای مقدمه و واقعیت‌های مطرح در سند با نتایج حاصله از کنفرانس همخوانی ندارند. در سند نارسایی‌های موجود در تحقق اهداف توسعه هزاره تا سال هدف مورد نظر برشمرده شده و به ضرورت محو فقر و بی‌سوادی، لزوم وجود شرایط بهداشتی و دسترسی به آب سالم برای همه، حمایت از دسترسی بیش از یک میلیارد نفر در جهان به خدمات مدرن انرژی و نیز لزوم باریک شدن شکاف توسعه‌ای بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تصریح شده است. اما هنگام تصمیم‌گیری در مورد راه‌ها و سازوکارهای مقابله با چالش‌های فعلی ناتوان بوده‌اند.

به عبارت دیگر، کلیه دولت‌ها در اجلاس اخیر ریو، تعهدات جدیدی را درخصوص حفاظت از انواع اکوسیستم‌ها، کشاورزی پایدار و روی‌آوری به اقتصاد سبز پذیرفته‌اند. در حالی که در مورد وسایل اجرایی تعهد جدیدی از سوی کشورهای ثروتمند در قالب کمک‌های خارجی داده نشده و قرار است کارگروه‌هایی برای تدوین اهداف توسعه پایدار در دوران پس از ۲۰۱۵ و نیز یافتن راه‌های بسیج منابع مالی تشکیل گردند. صرف‌نظر از کمک‌های مالی و فنی دوجانبه، در حال حاضر غالب کمک‌های مالی چندجانبه از طریق سازوکارهای مالی زیست‌محیطی مانند تشکیلات جهانی محیط‌زیست به سوی کشورهای نیازمند در حال توسعه در جریان می‌باشند و قرار است از طریق صندوق تازه تأسیس سبز آب و هوا به نحو چشمگیری افزایش یابند. این درحالی است که کمک‌های با اهداف توسعه‌ای که از طریق "فعالیت‌های اجرایی" برنامه عمران ملل متحد در جریان

است محدود بوده و چشم‌انداز روشنی برای افزایش آن‌ها وجود ندارد. چگونگی فعالیت مجمع عالی‌رتبه سیاسی جهانشمول، که جایگزین کمیسیون توسعه پایدار شد نیز در حاله‌ای از ابهام قرار دارد و باید طی مذاکراتی در آینده مشخص گردد. به‌طور کلی مفاد سند این‌گونه القا می‌نماید، آن دسته از کشورهای در حال توسعه که به اقتصاد سبز روی آورند مشمول کمک‌های مالی و فنی خواهند شد.

در مجموع، برگزاری کنفرانس و تصویب سند نهایی باعث ایجاد یک دیدگاه مثبت و خوشبینی هر چند ضعیف در خصوص همکاری بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار شد که ضعیف یا قوی‌شدن آن در آینده بستگی به چگونگی و نتایج مذاکرات تمام‌نشده‌ای خواهد داشت که قرار است تحت نظارت مجمع عمومی سازمان ملل متحد بزودی از سر گرفته شود. امید است خوشبینی‌های فعلی با اراده و عزم سیاسی مقامات کلیه دولت‌ها برای تحقق توسعه پایدار به مفهوم واقعی آن، همراهی تشکل‌های مردم‌نهاد، جوامع دانشگاهی و بخش خصوصی در این زمینه و موفقیت شرکت‌کنندگان در جلسات پیش‌بینی شده در ارائه تعریفی جامع و کامل از اهداف توسعه پایدار، راه‌های بسیج منابع مالی جدید و اضافی و نیز نحوه انتقال فناوری‌های پیشرفته سالم و ارتقای ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه افزایش یابد.

نتیجه‌گیری

با در نظر داشتن ارزیابی فوق، این سؤال مطرح می‌شود که کشورهای در حال توسعه در چنین وضعیتی چه باید بکنند تا در روند تصمیم‌گیری‌ها در سطح جهان مشارکت بیشتری داشته باشند و از منابع مالی موجود در دسترس و فناوری‌ها و منابع آموزشی در سطح بین‌المللی برای تحقق توسعه پایدار حداکثر بهره‌برداری را بنمایند؟ در پاسخ می‌توان توصیه نمود که کشورهای در حال توسعه:

۱. سازوکارهای همکاری و هماهنگی فرابخشی در سطوح محلی و ملی برای مورد خطاب قراردادن موضوعاتی فرابخشی چون توسعه پایدار و محیط‌زیست را ایجاد یا در صورت وجود، تقویت نمایند.

۲. روی‌آوری به اقتصاد سبز و حفاظت از انواع اکوسیستم‌ها را نه تنها موضعی لوکس، غیرضروری و تحمیلی تلقی ننمایند، بلکه آن را حاصل تبادل نظرهای طولانی جامعه جهانی برای کنترل روند جاری تخریب منابع طبیعی و محیط زیست بدانند. بدیهی است در صورت حفظ منابع طبیعی و با داشتن محیطی سالم، می‌توان شاهد تحقق توسعه پایدار و برخورداری مردم از رفاه و سلامتی بود.

۳. با ارتقای روابط دوجانبه با سایر کشورها در قالب همکاری‌های جنوب-جنوب و شمال-جنوب اهداف مورد نظر خود را دنبال نمایند.
۴. با سهیم کردن تشکل‌های مردم‌نهاد، جوامع دانشگاهی و بخش خصوصی در روند برنامه‌ریزی و اجرای اهداف توسعه پایدار، از دانش و تجربیات این کنش‌گران فعال در سطوح ملی و بین‌المللی بهره برده و راه‌های رسیدن به موفقیت را هموار سازند.
۵. با مشارکت فعالانه و مؤثر و کارشناسانه در جلسات آینده کارگروه‌ها و مجمع عمومی سازمان ملل متحد درخصوص تعیین اهداف توسعه پایدار، راه‌های تأمین نیازهای مالی و انتقال فناوری‌های مناسب و پیشرفته در جهت‌دهی به مباحث و مصوبات آینده در دفاع از منافع ملی و مشترک خود کوشا باشند.
۶. سهم بیشتری از بودجه خود را به برنامه‌های ملی توسعه‌ای اختصاص داده و همزمان با برنامه‌ریزی دقیق، به تجدیدنظر و ظرفیت‌سازی در منابع انسانی و ساختارهای اداری زیست‌محیطی خود پرداخته و برای جذب هرچه بیشتر منابع مالی بین‌المللی و فناوری‌های مورد نیاز مهیا گردند.
۷. در صورت برخورداری از درآمدهای قابل توجه، در اعطای کمک‌های مالی بین‌المللی به‌عنوان "کمک‌کننده"^۱ بیش از گذشته سهیم گردند و از این طریق وزن و سهم خود را در روندهای تصمیم‌گیری در سطح جهان به تدریج افزایش دهند.
۸. در مذاکرات جدید سعی کنند تعهدات قبلی جامعه بین‌المللی برای کمک به تحقق توسعه پایدار در جهان و نیز توازن بین تعهدات و کمک‌های خارجی در مصوبات که یک اصل پذیرفته شده است را حفظ نمایند. "برنامه راهبردی بالی برای حمایت فناورانه و ظرفیت‌سازی"^۲ نمونه‌ای از این تعهدات است که باید بر اجرا و حتی توسعه آن تأکید گردد.
۹. با نشان دادن انعطاف‌های لازم، سازوکارهایی مانند گروه ۷۷ که در زمینه توسعه پایدار و محیط زیست و اقتصاد فعال بوده و هدفشان پیشبرد منافع مشترک کشورهای در حال توسعه می‌باشد را تقویت نمایند.
- بدیهی است کشورهای توسعه‌یافته نیز باید مسئولیت بیشتری درقبال چالش‌های جهانی به‌عهده بگیرند و شکاف موجود در زمینه توسعه‌یافتگی و بین فقیر و غنی را کاهش دهند. آن‌ها باید سهم خود را با اختصاص منابع مالی بیشتر، تسهیل انتقال فناوری‌های مناسب پیشرفته و آموزش و تبادل دانش و تجربیات و به‌طور کلی وسایل اجرایی کافی و قابل پیش‌بینی به‌منظور تحقق اهداف توسعه پایدار فراهم آورند.

1. Donor

2. Bali Strategic Plan for Technology Support and Capacity-Building

چالش‌های جهانی، همکاری بین‌المللی و راه‌حل‌های جهانی می‌طلبند و تکروری در تقابل با چالش‌ها راه به جایی نمی‌برد. نشان دادن انعطاف توسط کشورهای ثروتمند صنعتی در مذاکرات پیش‌بینی شده تحت نظارت سازمان ملل متحد برای نیل به هرگونه توافق و نتیجه از ضروریات است. بر همگان آشکار است عملی شدن تعهدات مندرج در سند پایانی کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد در زمینه اقتصاد سبز و حفاظت از انواع اکوسیستم‌ها تنها با اراده سیاسی دولت‌ها و همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد و نیز در دسترس بودن امکانات و وسایل اجرایی میسر می‌باشد.

منابع

۱. امین‌منصور، جواد (۱۳۹۰)، مدیریت موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی بین‌المللی: سیر تحولات در رژیم‌های پایبندی و اجرا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲. امین‌منصور، جواد (۱۳۸۸)، "رویکردهای بین‌المللی در برخورد با منابع طبیعی و محیط‌زیست"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره ۳، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳. جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون (۱۳۸۳)، درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه: مهدی ذاکرین، احمد تقی‌زاده و حسن سعید کلاهی، تهران: نشر میزان.
۴. قطعنامه شماره A/RES/64/236 مورخ ۲۴ دسامبر ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) مجمع عمومی سازمان ملل متحد که طبق آن مقرر شد در کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد در ریودوژانیرو تعهدات سیاسی نسبت به تحقق توسعه پایدار تجدید شده، میزان اجرای تعهدات قبلی و چالش‌های جدید مورد بحث و بررسی قرار گیرند. موضوعات در دستور کار، اقتصاد سبز در چارچوب توسعه پایدار و محو فقر و ساختار مورد نظر برای توسعه پایدار تعیین گردید. همچنین مقرر شد در پایان یک سند سیاسی صادر گردد.
۵. متن سخنان آقای سالم البدری دبیرکل سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) تحت عنوان: 'OPEC's View on the Global Energy Scene'، تارنمای اوپک به آدرس: http://www.opec.org/opec_web/en. مراسم سخنرانی در جمع نخبگان سیاسی و اقتصادی و صاحبان صنایع و برخی سفرای خارجی طی جلسه‌ای که توسط شورای روابط خارجی آلمان و شرکت آلمانی نفت و گاز وینترشال در تاریخ هفتم مهرماه ۱۳۹۱ (۲۸ سپتامبر ۲۰۱۲) در برلین برگزار گردید.

6. Text of the Outcome Document of the United Nations Conference on Sustainable Development, under the Title of: "The Future We Want", dated July 2012.

7. Eubanks, Stephanie L, Mary Margaret Evans, John W. Mentz, & Robert W. Chandler (2000) in article entitled: "The Changing Definition of

- National Security” , in book entitled: "Environment and Securities: Discourses and Practices", Edited by Miriam R. Lowi & Brian R. Shaw, (London: Macmillan Press LTD).
8. Porter G. & Brown J.W. (1996), “Global Environmental Politics”, (Boulder: Westview Press).
9. Matthew & Paterson (1996), in article entitled: “Green Politics”, collected by Scott Burchill & Andrew Linklater, in book entitled: “Theories of International Relations”, (Deakin University, London: Macmillan Press LTD).
10. The Millennium Development Goals Report 2012, (New York: Department of Social and Economic Affairs of the United Nations).
11. Website of the UN Conference on Sustainable Development at: <http://www.uncsd2012.org>.
12. Website of the Rio+20 Follow up at: <http://sustainabledevelopment.un.org>.
13. OPEC World Oil Outlook 2011.

